www.salamat.ca 1 -866-980-9977 خدمات ارزی سلامت

دکترعزیزه عسگری
AZIZEH ASGARI M.D.
Obstetrics&Gynecology
جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان
16661 Ventura Blvd # 309 Encino Ca 91436
(818)995-6046

50 Cent
از انتشارات ایران‌چاپ
عصر امروز
Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

اتو استیگلر با۵۰سال سابقه STIEGLER, INC.
فروشنده بیشترین اتومبیل های مرسدس بنزبه جامعه ایرانی

John .J R Stiegler
خوشحال است عرضه کننده بهترین سرویس و خدمات بعدازفروش به مشتریان ایرانی باشد
(818) 788-0234
16721 Ventura Blvd,Encino

Vol 18, No:4161 Fri 19 May 2006 Tel:(818) 783-0000* Fax:(818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com
سال هجدهم - شماره۴۱۶۱ جمعه بیست ونهم اردیبهشت ۱۳۸۵ (نشریه روزانه ایرانیان خارج ازکشور)

توقف اعدام یکی از فعالان سیاسی

آمریکا بر حفظ گزینه نظامی به جمهوری اسلامی، تاکید کرد

ضمانت امنیتی واشنگتن به رژیم تهران، در زمره پیشنهادهای آمریکا در ازای توقف برنامه های هسته ای ایران نیست

تلاش روشنفکران، نویسندگان، استادان دانشگاه های اروپا و آمریکا برای آزادی اندیشمند و فیلسوف معروف ایرانی

مامور امر به معروف و نهی از منکر کشته شد

بسیجی مامور ستاد منکرات با چهار جوان درگیر شده بود که مورد اصابت کارد قرار گرفت

تهدید سازمان مسلح بلوچ علیه رژیم تهران

در صورت ادامه سرکوب و کشتار در بلوچستان، دست به اقدام انتحاری در تهران خواهد زد

شعار روز: امکانات به جای انرژی هسته ای !

رستوران جوان
۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار
ازچهارشنبه تاشنبه با پیانوی دلنوازبیژن قادری
دلیوری تاشعاع سه مایل مجانی
(۳۱۰) ۲۰۷ - ۵۵۵۵
www.JavanRestaurant.com

قلم طلایی برای بهترین روزنامه نگار جهان

اکبر گنجی پاداش افشاگری ها، مقاومت و مبارزه خود را گرفت

Babylon

بابیلون مرکز سلامتی بزرگسالان در شهر تارزانا
این مرکز در محیطی گرم و دلباز با کادری دلسوز و آگاه آماده پذیرائی از شما عزیزان می باشد. بابیلون دارای برنامه های منظم روزانه ، شامل غذای گرم و سرد ، فعالیت های بدنی ، خدمات اجتماعی و پزشکی (مانند روانشناسی ، رژیم های غذایی و داروئی) همراه با تفریحات سالم ، شامل رقص و آواز، سرگرمی های مختلف روزانه ، بازدید از مراکز جالب و دیدنی ، یوگا، زبان انگلیسی ، کامپیوتر و بینگو می باشد. ضمنا وسایل ایاب و ذهاب رایگان است
38-57
5955 Lindley Tarzana,Ca 91356 (818)996-9172

La Valencia Jewelry
جواهری لا والنسیا
مجموعه منحصربه فرداززیباترین جواهرات ،برلیان و سنگ های قیمتی
بمدیریت هرمزاقبال
256 North Beverly drive Beverly Hills Ca 90210
Tel: 310-859-7915 www.lavalenciajewelry.com

دکتر حسین اشراقی
استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA
دارای بورد تخصصی از آمریکا
تشخیص و درمان :
پولیپ و سرطان روده بزرگ ، زخم معده و اثنی‌عشر دردهای‌شکم ، بواسیر ، بیماریهای‌کبد و کیسه صفرا اندوسکوپی‌معده و روده
(۸۱۸) ۵۰۰- ۷۰۷۰

دکتررضا کلانتری نژاد
متخصص و جراح چشم
اگربیش ازچهل سال داریدو برای خواندن عینک میزنید
من می توانم باانجام عمل مدرن و جدید Light Touch Ck باستفاده ازامواج رادیوئی و بدون برش روی قرنیه یااستفاده ازلیزر پیرچشمی شمارافقط درچندثانیه اصلاح نمایم و جوانی رابه چشمهای شمابازگردانم
برای مشاوره رایگان و تعیین وقت بامطب من درانسینوتماس بگیرید
Tel: (818) 380 - 9191 16661 Ventura Blvd # 608

ثریا رسمی نمایندهٔ بیمه
مناسبترین نرخ های بیمه :
سلامتی -دندان -عمر-اتومبیل - تجاری -منزل وزلزله و نیزبیمه افراد۶۵سال به بالا
(۳۱۰) ۶۰۰ - ۱۴۴۴
(۸۱۸) ۷۳۱- ۸۱۸۳

خدمات حسابداری و مالیاتی
همایون محبتی MBA,CRTP
فارغ التحصیل ازآمریکا با سالها تجربه در :
- تهیه و تنظیم صورتهای مالی
- تهیه و تنظیم لیست حقوق کارکنان
- ثبت و انحلال شرکت ها
- تهیه و تنظیم اظهارنامه های مالیاتی اشخاص و شرکت ها

کلیه امور حسابداری و دفترداری با نازلترین قیمت جهت هموطنان ایرانی
(۳۱۰) ۸۶۶-۶۳۷۶
3255 Wilshire Blvd suite 1111 LA ,CA 90010

Young Life Health Center
قوای ازدست رفته راتجدیدکنید
Back Pain Shuldrer Pain Japaniss Shi Stutt
Deep Tissue Swedish Relaxing Weight Loss
(310) 481 - 0950
11819 Wilshire Blvd #209
(Between Barringhton& Bundy)
۷روزهفته از۱۰صبح تا۱۰شب
بابهترین سرویس

دکترنورالله پرهامی
استاددانشگاه U.S.C درلس آنجلس
متخصص بیماری های
رماتیسم -مفاصل و استخوان
بورلی هیلز:۷۴۱۴-۶۵۹(۳۱۰) ولی ۶۱۱۰ - ۹۰۵(۸۱۸)

رستوران صحارا
زیرنظرمستقیم کیترینگ بهادر

WWW.RADIOAMOO.COM

خدمات حسابداری و مالیاتی رازی
۱-۲-۳
۱- مالیات خود را در دفتر ما فایل کنید
۲- منتظر تایید IRS بمانید
۳- بعد از تایید، همان روز و همان جا Tax Return خود را تحویل بگیرید
اساس کار ما بهترین قیمت و سریعترین سرویس با بهره گیری از حسابداران پر سابقه و CPA می باشد
سرویس ما: خدمات حسابداری و مالیاتی، PAYROLL، حسابرسی، مشاوره مالی و مالیاتی، سیستمهای مدیریت و کاهش هزینه، ثبت شرکت، تغییرات و انحلال شرکت ها در کالیفرنیا و نوادا با همکاری وکلای کار آزموده
۱ -۸۸۸-۳۶۷-۱۰۴۰ ۸۱۸- ۷۰۸- ۰۳۴۶
18210 Sherman Way #113 , Reseda, CA 91335

چرا رستوران شمال همیشه بهتر است
به هفت دلیل واضح: (ناهار بازار ۶.۹۹)
۱- سرو انواع کباب و دیگر غذاهای ایرانی با طعمی متفاوت به همراه لذیذترین غذاهای شمالی
۲- محیطی دلپذیر
۳- سرو دل و جگر برای عصرانه
۴- موزیك زنده شبهای پنج شنبه تا یکشنبه
۵- کادری خونسرد و ورزیده
۶- کیترینگ به قیمت مناسب
۷-انتخاب شده لس آنجلس تایمزبعنوان رستوران برترایرانی
آدرس رستوران شمال - ۱۹۵۵۰ ونتورا در شهر تارزانا
تلفن ۸۱۸-۶۰۹-۹۹۸۸

حرفهای روز

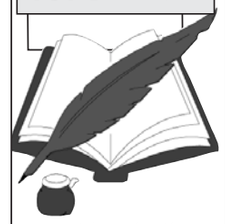

از: عباس پهلوان

تلفن مستقیم سردبیر
(۸۱۸)۷۸۳-۲۸۴۹

یادش بخیر! عروسی هم عروسی قدیم ندیما!

۱- یک فیلم جشن عروسی از تهران برایم فرستاده اند با چند اشاره از طرف ارسال کننده:

● آن چه در ایران خیلی **سوت و کور شده،** جشن های عروسی است (البته به نسبت سابق پیش از انقلاب).

● ازدواج ها اغلب به طور خصوصی برگزار می شود. میهمانان در حدود نزدیکان عروس و داماد.

● از جمله آفت ازدواج ها و عروسی ها، **مشکل گرانی مسکن است. جهیزیه، خرج یک زندگی دو نفره که در ایران خیلی زود به سه نفره و چهار نفره می رسد.**

● اغلب جوانان تامین زندگی پدر پیرشان و یا خواهران جوانشان را هم به عهده دارند و نمی توانند به حجله بروند!

● **افزایش صیغه (عقدهای موقت) بدون هرگونه مراسمی است.**

● در روستاها- که اغلب در دوران گذشته در پایان هر هفته، شاهد مراسمی پر سر و صدا از عروسی های محلی و یا ایلیاتی بود، دیگر یا آنچنان نیست و یا به ندرت جشنی برگزار می شود.

● اغلب جماعت عزب دل و دماغ ازدواج ندارند گرچه میلش را دارند.

● **آن چه انقلاب و حکومت اسلامی بیخ اش را در ایران زده، درخت شادی و نشاط است.**

● فیلمی که تماشا می کنید، **چندین میلیون تومان فقط خرج حراست جشن** آن شده است تا در ساعتی محدود، میهمانان زن و مرد بتوانند مختلط با هم باشند و بی سر و صدای فراوان و هلهله زیادی فقط برقصند.

● **پول غذا هنگفت است و چند ظرف پلاستیکی تهیه کرده ایم که تتمه و مابقی غذاها را جمع کنیم، چون لشگر گرسنه ها آخر شب ما را محاصره می کنند.**

عروسی و جشن بچه ها

۲- و اما یکی از عیدهای بچه ها در دوران ما و شاید تا ۳۰ سال پیش، که ممکن بود در سال چند بار تکرار شود، **عروسی در فامیل** بود که از همان روز خواستگاری و بله برون و عقد آغاز می شد تا جشن عروسی که به غیر از بخور بخور، نقل و شیرینی و میوه و پلوچلو به قول مادرم **"بلاگی"** ما بچه ها هم بود و یک پا از مراسم عروسی ها، ولی اگر بچه ها از کس و کار نزدیک عروس و داماد بودند، اغلب مجازاتشان دیر خبر شدن سر سفره شام بود و بایستی جزو **"خودمونی" ها** ته بشقاب را به لیسند! مگر این که دستبرد به محل آشپزخانه می زدند.

در دوران بچگی تا یادم می آید از این آهنگ و ترانه معروف **- ای یار مبارک بادا، ایشاالله مبارک بادا-** که **مرحوم همدانیان** می خواند، خبری نبود. اغلب در عروسی یا مطرب ها و دیگران ترانه دیگری را می خواندند. جالب این که مراسم عروسی به نسبت استطاعت خانواده در همه جای تهران **با ساز و آواز و سیاه بازی (تخته حوضی)** برگزار می شد. حتی بیشتر حاج آقاهای بازار هم برای شب عروسی می فرستادند خیابان سیروس تا یک دسته رقاص و ساز زن و بازیگران تخته حوضی را خبر کنند.

جالب این که اغلب در این عروسی همسایه ها را دعوت نمی کردند یا از هر خانواده یک یا دو نفر به عروسی می رفتند و باقی از روی پشت بام- که آن موقع همه منازل یک طبقه بود- ناظر بخور بخور مدعوین و بعد تماشای رقص و آواز و سیاه بازی می شدند.

شب عروسی هنوز دم دمای غروب و آفتاب روی کلاغ پر حیاط، که لبه پشت بام های خانه ای که جشن عروسی بود، توسط همسایه های دور و نزدیک اشغال می شد. **اغلب دخترهای دم بخت** هم پسرهای صاف و ساده را تشویق می کردند که سیب و گوجه و خیاری از روی میزها کش بروند و برایشان روی پشت بام بیندازند که اغلب از این بابت قشقرقی بپا می شد که داد و هوار صاحب مجلس بالا می رفت و مدعوین پشت بامی را به توپ و تشر می بست.

اما **پسرهای دم بخت!-** برعکس دخترهائی که در سیزده، چهارده سالگی به "خانه بخت" می رفتند و آنها بایده ده، پانزده و شاید بیست سالی صبر می کردند- یک دلخوشی اشان همین **لاس خشکه** با دخترهای کم سن و سال روی پشت بام بود یا اگر از فک و فامیل نزدیک عروس و داماد بودند، سر زدن به محلی که "مطرب ها و رقاصه ها" بودند و یواشکی **تعویض لباس رقاصه ها** را تماشا می کردند و با لای ولوی زن های عروسی می لولیدند.

ترانه قدیمی عروسی ها

۳- آن زمان ها ترانه خاصی در عروسی ها می خواندند که آهنگ آن در خاطرم مانده ولی با رواج و معروفیت ترانه ای که مرحوم همدانیان می خواند: **بیا برویم از این ولایت من و تو/ تو دست منو بگیر و من دامن تو/. ای یار مبارک بادا، ایشاءالله مبارک بادا-** معلوم نبود سروده و ساخته کی بود (آن هم در دهه ۳۰ به بعد) دیگر به ندرت چیزی از آن ترانه اولی به یاد ماند. اما یکی، دو سال پیش دیدم دوست نازنین و هنرمندم **مرتضی احمدی-** که از دوران پیش پرده خوانی در تماشاخانه تهران (لاله زار) شاهد هنرنمایی هایش بودم- ترانه های به قول خودش (کهنه های همیشه نو، تخته حوضی ها و پیش پرده ها) را جمع آوری و به صورت کتاب منتشر کرده است که همان ترانه دوران بچگی و نوجوانی ما را هم به عنوان "شب عروسی" آورده که زمزمه آن با آن ریتم و آهنگ شادش- شاید شما هم به یاد داشته باشید- خیلی خیلی خاطره انگیز است. مخصوصا آنجایی که تاکید داشت: "روی هر میزی، چیده هر چیزی، شکلات و شربت و شیرینی و چایی" به دل ما بچه ها بیشتر می چسبید. بخصوص در وسط تابستان که انواع میوه ها هم توی دیس و قاب ها بود و بچه ها دو تا گیلاس هایی که از دم به هم چسبیده بودند، مثل **گوشواره رو هلالی گوش** می انداختند و ادای دخترها را در می آوردند!

اما ترانه معروف و گمشده "شب عروسی":

چه شبِ خوبی، شب محبوبی/ قه قه خنده بکن ای نوگل خندان/.
کف کف کف کف بزنین/ ای مطرب خوشخوان/ باز مبارکباد، باز مبارکباد، منزل داماد/.

بقیه در صفحه۴

عصر امروز
ASRE EMROOZ
مدیر: همایون هوشیار نژاد سردبیر: عباس پهلوان Tel: (۸۱۸)۷۸۳-۰۰۰۰ Fax: (۸۱۸)۷۸۳-۳۶۷۹
IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com
16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436
Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asreemrooz.com

«قدر خان» پرهیبت منطقه ای و امیرنظام انگلیسی!

حضرت سردبیر «عصر امروز» توصیه کرد که با این همه «ای میل» که دریافت می کنی، چرا هفته ای یکی دو روز را اختصاص به نقل بعضی از آن «ای میل» ها نمی دهی .

حرفی است منطقی. امّا من نمی دانم کسانی که این «ای میل» های خواندنی را برای من می فرستند، خودشان مسائل و مطالب مطروحه را از کجا تهیه کرده اند؟! با دسترسی به «وب سایت» های گوناگون کامپیوتر به این موضوعات رسیده اند و یا فکر و اندیشه خودشان است و یا از روزنامه ها و نشریات خارجی نقل کرده اند. در هر حال، به هر طریقی به مسائل مطروحه دسترسی یافته باشند، قابل خواندن است، قابل تأمل است. بایستی خواند و در مورد هر کدام از سر حوصله و دل و دماغ اندیشه کرد.

در دهه چهل بود که جنجال شعر کهنه و نو، در میان جوانان ایرانی شوری بپا کرده بود. بسیاری در مخالفت با شعر نو ، غوغا می کردند. «حمیدی شیرازی» و استاد «عباس فرات» جزو مخالفین شعر نو و گروه کثیری از جوانان، مشتاقانه به شعر نو روی آورده بودند و برخی در این میان اشعاری را انتشار می دادند که بهانه ای می داد به دست کهنه سرایان تا از آن چماقی بسازند برای کوبیدن بر سر نو سرایان مانند شعر «جیغ بنفش» ایرانی!

این مقدمه را گفتم تا بگویم که نازنینی، شعری از «حسین منزوی» برای من «ای میل» کرده است با این اشاره که آن روزها، جوانان ما چه دغدغه خاطری برای «فرهنگ و ادب» داشتند و حالا چه مصائبی فکر و اندیشه آنها را به خود مشغول می دارد.

«حسین منزوی» که در دهه چهل هم حضور داشت، طعم تلخ حکومت اسلامی را هم چشید و سرانجام دو سال قبل از جهان رفت. او در مورد ایران زیر چتر سیاه حکومت جهل و خون اسلامی سروده بود:

از زمزمه دلتنگیم | از همه بیزاریم
نه طاقت خاموشی | نه تاب سخن داریم
آوار پریشانیست | رو سوی چه بگریزیم
هنگامه ی حیرانیست | خود را به که بسپاریم
دوران شکوه باغ | از خاطرمان رفته است
امروز که صف در صف | خشکیده و بی باریم
تشویق هزار آیا | وسواس هزار اما
گیجیم و نمی دانیم | ورنه همه بیماریم
ما خویش نداشتیم | بیداری مان از خواب
گفتند که بیدارید | گفتیم که بیداریم
در را که هدر دادیم | آن ذات گرامی را
تیغیم و نمی بریم | ابریم و نمی باریم
من راه تو را بسته | تو راه مرا بسته
امید رهائی نیست | وقتی همه دیواریم.

● **به نقل از تاریخ**

آنچه را که مطالعه می کنید خانم «مستوفی» به نقل از آقای «بیژن صف سری» تحت عنوان «به نقل از تاریخ» برای بنده «ای میل» کرده است.

نقل است که در زمان ناصری در

بقیه در صفحه۴

هلیکوپتر سازی آقای مقنی!

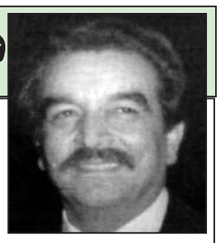

محمد سعید حبشی

جد در جد چاه کن بودند و به همین خاطر نام فامیلشان را هم مقنی گذاشته بودند. اما مقنی آخری از بد روزگار با چاه توالت سر و کار داشت. اما یک روز که مشغول خالی کردن چاه بود به صندوقچه ای برخورد کرد که خیلی قدیمی بود، چون از چاه بوی بدی به مشام می رسید کسی دور و بر چاه نبود و او با خیال راحت صندوقچه را بیرون آورد و به خانه برد. وقتی درش را باز کرد با تعدادی سکه طلای قدیمی و اشیاء عتیقه برخورد و آنها را با قیمت کم فروخت. اما همین قیمت کم باعث شد تا وضع زندگی او عوض شود. خانه خرید، ماشین خرید و یک مغازه طلا فروشی هم باز کرد، اما چون همیشه به او مقنی می گفتند تصمیم گرفت تا فامیلش را هم عوض کند اما اداره سجل و احوال به این سادگی ها رضایت نمی داد. ولی وقتی سر کیسه را شل کرد، مأمور سجل و احوال قاف مقنی را تبدیل به غ کرد و گفت که معنی آن هم بی نیاز است. جناب مقنی هم راضی شد و از آن به بعد "مغنی" شد. ولی وقتی که کار تمام شد و شناسنامه جدید را گرفت تازه متوجه شد که باز او را مقنی صدا می زنند. چون دیگر چاره ای نداشت به هر کس که او را صدا می زد می گفت: البته مقنی با غین.

ولی از نامه هایی که دریافت می داشت راضی بود، چون مقنی را با غین می نوشتند. حتی روی تابلوی

بقیه در صفحه۴

SUPER VISION OPTICAL
EYEWEAR SUPPLIERS

سوپرویژن

آخرین کلام درمدو زیبائی عینک های آفتابی و طبی
به مدیریت حسین سیلانی

210 South Robertson blvd Beverly Hills Ca 90211
Tel:(310) 623-4848

از: دکتر رزاییان

بخواب ای بزرگمرد...!

دریغا که «شهباز» ادیب قدیم
که بودی به دلخستگان چون ندیم
همان شاعر خوش بیان در سخن
همان عاشق ملک و مام وطن
همان حافظ نثر و اشعار نغز
سخنگوی با دانش و فضل و مَغز
نویسنده ای آنچنان پر ز حال
ادیبی بزرگ، بی نظیر و مثال
به دل خستگان بهترین همدمی
نشد غافل از یاد ایران دَمی
در آوارگی منتشر کرد چنان
«ره آورد» ایرانیان در جهان
از او نامه و دفترِ بی شمار
بماند به گیتی از او، یادگار
بر او بایدی گفت صد آفرین
که پرورده گشته در ایران زمین

****

ولی بخت بد بین که خورشید پاک
در آوارگی شد نهان زیر خاک
تو ای یار دیرین مام وطن
که دادی تو قول و قراری به من
که در روز آزادیِ کشورت
به ایران روی همَره همسرت
چرا قول خود را شکستی چنین
نمودی همه دوستان را غمین

****

ولی یار دیرین من، خود بخواب
که من آرزو دارم آن خواب ناب
نه ظلمی ز شیخ و نه جنگ بشر
نباشی تو شاهد بر این شور و شر
ز انسان نبینی دگر خوی زشت
نباشی تو هم صحبت بد سرشت
نبینی دگر ظلم گردن کشان
نه رنج و غم مردم ناتوان
نه دیگر ترا اشتیاق وطن
نه اندوه آوارگی همچو من
بخواب ای بزرگ مرد که آسوده ای
و شاید تو پایان خط دیده ای
ولی تو نمُردی که خود زنده ای
بسا زندگانی، که چون مرده ای

خشم و کین خواهی و یا مهر به پدر؟

روایتی از داستان رستم و سهراب

از: سیاوش اوستا- پاریس

افسانهٔ رستم و سهراب در شاهنامه فردوسی تاکنون بسیار مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، اما روی دو مسئلهٔ مهم کمتر بحث شده است:

● نخست چگونگی زایش سهراب

● دوم چرائی و چگونگی گردآوری سپاه و حمله به ایران توسط سهراب

افراسیاب فرمانده سرزمین توران از جبههٔ نبرد با ایرانیان می گریزد.

رستم برای شکار به نزدیک سمنگان می رود و هنگامی که در حال استراحت است رخش او ناپدید می شود. او ردپای رخش را گرفته و وارد شهر سمنگان می شود! شاه شهرزاد او به گرمی استقبال می کند و مجلس عیش و نوش و سرگرمی را فراهم می آورد و شبانه دختر خویش را نیز به رختخواب رستم می فرستد:

چو یک بهره زان تیره شب درگذشت
شب آهنگ بر چرخ گردان بگشت
یکی بنده شمعی معنبر بدست
خرامان بیامد به بالین مست
پس بنده اندر یکی ماهروی
چو خورشید تابان پر از رنگ و بوی
ازو رستم شیردل خیره ماند
بر او بر جهان آفرین را بخواند
بپرسید ازو گفت نام تو چیست؟
چه جوئی شب تیره کام تو چیست؟
چنین داد پاسخ که: تهمینه ام
تو گوئی دل از غم به دو نیمه ام
یکی دخت شاه سمنگان منم
ز پشت هژیر و پلنگان منم
ترا، هم کنون گر بخواهی مرا
نبیند همی مرغ و ماهی مرا
و دیگر که از تو مگر کردگار
نشاند یکی کودکم ،در کنار

چنانچه در افسانه های کهن آمده است و فردوسی نیز آنرا سروده است، تهمینه فقط برای گذراندن شبی با رستم به رختخواب او رفته است و اینکه از او فرزندی داشته باشد. زیرا او و دیگران آگاه بودند که رستم در ایران زمین سر و سامانی و کانونی دارد و به عنوان فرمانده سپاه ایران نمی تواند در کنار تهمینه در سمنگان بماند و تهمینه نیز نخواهد توانست با رستمی که دارای کاشانه و کانون خانوادگی است به ایران برود!

می دانیم که حکیم توس همواره تلاش داشته تا **عنصر ایرانی را فردی آزاده و پاک و خردمند** نشان بدهد- حتی کسانی را که کارهای نادرست انجام داده اند. او با سروده های زیبایش (فقط به خاطر اینکه ریشه ایرانی داشته اند) گرامی داشته است و **تنش آفرینی** در میان ایرانیان را جایز نمی دانسته است. همین فرزند تهمینه نیز که از تخم رستم است! تا به پانزده سالگی می رسد و پی می برد که پدرش رستم است و فقط **او ثمرهٔ یک شب همخوابگی رستم با مادرش** بوده است، به خشم می آید و **با جمع آوری سپاه به ایران حمله می کند و** دژ سپید را می گیرد و با "گرد آفرید" می جنگد... اما استاد بزرگ سخن فردوسی آنچنان کشته شدن سهراب به دست رستم را زیبا می سراید که به صورت بزرگترین تراژدی تاریخ در می آید و همه کین خواهی سهراب را در هجوم به ایران را از یاد می برند.

پس از اینکه تهمینه راز مهم را به سهراب می گوید:

تو پور گو پیلتن رستمی
ز دستان سامی و از نیرمی

سهراب از ایران و ایرانی به خشم می آید و وسوسه حمله به ایران را در

بقیه در صفحه۸

غزل روز

هوشنگ ابتهاج «سایه»

او خود همه جان است...

این عشق، چه عشق است؟ ندانیم که چون است
عقل است و جنون است و نه عقل و نه جنون است
فرزانه چه دریابد و دیوانه چه داند؟
از مستی ی این باده که هر روز فزون است
ماهی ست نهان بر سر دریای پریشان
کاین موج سراسیمه بلند است و نگون است
حالی و خیالی است که بر عقل نهد بند
این طرفه چَه آهوست کز و شیر زبون است
آن تیغ کجا بود که ناگه رگِ جان زد؟
پنهان نتوان داشت، که این جا همه خون است
با مطلع ابروی تو هوش از سر من رفت
پیداست که بیت الغزل چشم تو چون است
با زلف تو کارم به کجا می کشد آخر؟
حالی که ز دستم سر این رشته برون است
سایه! سخن از نازکی و خوش بدنی نیست
او خود همه جان است که در جامه درون است
با خلعتِ خاکی طلبی طلعتِ خورشید
رخساره بر افروز که او آیینه گون است

شوهر محترم!

نوشته: عترت گودرزی (الهی)

اشاره: این مقاله را که تحت تاثیر مقالهٔ درخشان «دانشمند محترم» نوشته ام به استاد عزیزم دکتر احسان یار شاطر ارمغان می کنم. من هیچوقت بخت شاگردی مستقیم ایشان را در دانشکده ادبیات نداشته ام، ولی در این سال ها که افتخار همکاری با ایرانیکا را داشته ام از استاد به اندازه سال ها آموخته ام.

عمرش دراز باد و سایه اش بر سر فرهنگ ایران پایدار.

«**شوهر محترم**» موجود حقیری است که در تخیلات دوران مهاجرت، از خویشتن خویش، **غولی** ساخته است.

او همه فن حریف است. به قول استاد عزیز از دست رفته ام، دکتر محمدباقر هوشیار، «خمره العلوم است». به این معنی که «شوهر محترم» **هیچ متخصص و صاحبنظری را در هیچ زمینه ای قبول ندارد.**

شعرای نوپرداز را به باد تمسخر می گیرد و آنها را از دم، جیغ بنفشی می نامد. در حالی که حتی شعرهای سادهٔ ایرج میرزا را هم از رو، غلط می خواند.

از نقاشی بی اطلاع است فقط تابلوی رنگ و روغن ارزان قیمت و غالبا کپی شده را که در سرسرای هتل ها و اتاق های مسافرخانه ها به دیوار کوبیده شده، نقاشی می داند و بس.

او اهل کتاب خواندن نیست اما از کتاب **خاطرات ملکه ثریا** تعریف بسیار می کند.

در کتابخانه زیبای او- که از چوب های گرانقیمت و توسط آرشیتکت با ذوقی ساخته شده- تمام کتاب های گرانقیمت و نادر چیده شده، **هر چه اسم کتاب قلمبه تر باشد،** شوهر محترم آن را در جای معتبرتری جای می دهد.

فرضا دوره حبل المتین را در کنار حلیه المتقین گذاشته و **آیه های شیطانی سلمان رشدی** را بغل مجموعهٔ نفیس اشعار «لرد آلفرد تینسن» قرار داده و در قفسه کناری تمام کتاب های مجموعه معروف «یلیاد» را کنار هم چیده است و این در حالی است که شوهر محترم حتی قادر به خواندن اسم این کتاب ها هم نیست.

«**شوهر محترم**» در کنار ساختمان، سبزیکاری، رانندگی، آشپزی، خیاطی، و حتی شناخت نوع رنگ موی خانم ها، خود را خبره و کارشناس می داند.

او در حل مشکلات خانواده، روانشناسی چیره دست و زبان آور است و اگر احتمالا در یک مهمانی با استراق سمع زن و شوهری را در حال مباحثه و مجادله دستگیر کند، فورا پا به میدان می گذارد و در **خمره پند و اندرز** را باز می کند.

این در حالی است که خود در خانه با همسرش از صبح تا شام مثل سگ و گربه به هم می پرند. دعواها و بگومگوهای این شوهر محترم و آن همسر مهربان، موضوع **مسخره بازی و لودگی** دائمی بچه ها و نوه های آنهاست.

شوهر محترم در مورد تعلیم و تربیت نوجوانان، خود را از «روسو» و «فروید» هم برتر می داند و معتقد است که آنها چیزی سرشان نمی شده و بیخودی اسم در کرده اند.

اگر تلفن دستی دارید و مشغول رانندگی هستید و او می داند که مقصد شما کجاست، ناگهان در نیمه راه به شما زنگ می زند و دستور می دهد که **کدام شاهراه** را انتخاب کنید و یا **کدام خروجی** را برای رسیدن به مقصد برگزینید.

حتی اگر در شهر خودتان که شما تمام سوراخ سنبه ها و کوچه پس کوچه هایش را از حفظ می دانید و به اصطلاح «**فوت آب**» هستید، او هنگام رانندگی بغل دست شما نشسته باشد، مرتبا با حرکت دست به شما فرمان می دهد که: به راست یا به چپ بپیچ! یا وسط آن دو تا ماشین قهوه ای پارک کن! او به طور مرتب زیر لب خطاب به رانندگان دیگر می غرد که: مردیکه تندتر برو! (یا) گوساله، این چه جور رانندگی است!؟

در بازی ورق، **تخته، شطرنج و بولینگ** اگر جرأت دارید، اظهار عقیده ای بکنید تا او شما را سوسک دیوار کند. **او در فال ورق، فوق دکترا از فال نخودگیرهای تهران گرفته است.**

وقتی مشغول تماشای مسابقات فوتبال آمریکایی است مرتبا غر می زند که مربی اشتباه کرده و باید خط حمله را اینطور می چید!(یا) فلان «کوارتربک» سیاهپوست احمق اصلا بازی بلد نیست!

«**شوهر محترم**» **سالها پیش پف زیر چشم ها را به دست جراح پلاستیک سپرده تا چند سالی جوانتر جلوه کند. او موها را مثل شبق سیاه می کند و دو طرف بالای گوش را سفید باقی می گذارد تا سن و سالش طبیعی جلوه کند درست مثل سگ های «پکینز» .**

«**شوهر محترم**» هنوز با بعضی از گرل فرندهای سابق خود-که در سال های دور با آنها در پاریس و لندن قرار ملاقات می گذاشت- رفت و آمد دارد. و این مادربزرگ های محترم گاهی که دستشان برسد **عاشق قدیمی را می دوشند و برایش عشوه می آیند.** همسر شوهر محترم در مقابل جمع دوستان با خوشحالی اظهار می دارد که:

- خیالم از طرف او راحت است. دیگر کاری ازش ساخته نیست. بگذار با هر کس می خواهد معاشرت کند. قرص های وایاگرا را هم از ترس کور شدن دیگر نمی خورد. به قول معروف: «**روزها را به بطالت و شب ها را به خجالت می گذراند!**»

شوهر محترم برای همسرش اصلا احترامی قائل نیست و بخصوص سعی می کند در جمع دوستان به او توهین کند.

معیار علاقهٔ شوهر محترم در مورد همسرش را با این جمله کوتاه می توانید دریابید: در زندگی زناشویی اول خودم، دوم خودم، سوم خودم، چهارم... احتمالا خانم!

شوهر محترم حتی پول توجیبی کلانی را که به خانم می داد قطع کرده و به جایش برای خانم بیزنس کوچکی راه انداخته است. او با سربلندی از این ابتکار درخشان حرف می زند و معتقد است که **با این کار از دست خانم خلاص شده** چون خانم مجبور است صبح زودتر از خانه بیرون برود و وی می تواند بعد از خوردن صبحانه با دوستان قرار ناهار بگذارد و بعد قدم زنان به طرف محل کار خانم برود و طوری برنامه را تنظیم کند که به هنگام تعطیل کار خانم، به آنجا برسد.

در دفتر کار خانم، **شوهر محترم**

بقیه در صفحه۸

نگاهی به آئینه!

●فقط آخوندها نیستند ابلهانه حرف می زنند، ما از رسانه ها هم ادعاها و حرف های احمقانه ای می شنویم و می خوانیم.

++نکند که شما خیال می کنید که همه دنیا «خل» شده اند و یا خل مخلوط؟!

چوب به مرده نزنید!

●وقتی مشخص شده و اسناد و مدارک آن هم هست که احزاب کمونیست (حزب توده) تحت فرمان استالین بوده اند و همه به ملت هایشان خیانت کرده اند، بیخودی چرا عده ای از تاواریش های سابق برای خودشان افتخار می سازند؟

++شما هم یک صلوات بفرستید و دعوا را ختم کنید و به مرده چوب نزنید!

فریفتن دوباره!

●این حجت الاسلام خاتمی واقعا باورش شده که "فریبا خاتمی" است و دوباره به فکر فریفتن خلایق بر آمده است.

++نامبرده از آن هفت خط ها و عجوزه هزار داماد است!

تمامیت ارضی ایران

●امیدواریم آمریکایی ها بابت تمامیت ارضی ایران، انگولک نکنند.

++جمهوری اسلامی می خواهد این طور وانمود کند.

شعر معاصر

مهناز اسد زاده

دریا

آنقدر به دریا
نگریسته ام
که نگاهم دریایی شده
و چشم هایم هم...
دیگر این من نیستم
که در ساحل پاک
نشسته ام بر خاک...
اکنون
من
در قله کوه بیستون
به اهتزاز
درآمده ام...
تماشایم کن...

محمدرضا شفیعی کدکنی

باغ برهنه

زاغی سیاه و خسته به مقراض بال هاش
پیراهن حریر شفق را برید و رفت
من در حضور باغ برهنه
در لحظه ی عبور شباناگه
پلک جوانه ها را
آهسته می گشایم و می گویم
آیا
اینان
رویای زندگی را
در آفتاب و باران
بر آستان فردا، احساس می کنند؟
در دور دست باغ برهنه چکاوکی
بر شاخه می سراید
این چند برگ پیر
وقتی گسست از شاخ
آن دم جوانه های جوان
باز می شود
بیداری ی بهار
آغاز می شود

مژده سبز علی

شب

از شب می نویسم
که محل تولد ستاره هاست
و از تو
که ستاره ها را
دوست داری
و از چشمانت
که هزار خورشید را
در خود پنهان دارد

SOUTH BAYLO UNIVERSITY

دانشگاه

طب سوزنی

و گیاه درمانی

تا دریافت عالیترین مدارج دکترا و تخصص

برای ترم تابستان ثبت نام می کند

پزشکان ایرانی که مایل به گذراندن امتحان های U.S.M.L.E نیستند پس از حدود ۲سال تحصیل در این دانشگاه می‌توانند به طبابت بپردازند.

ورود به این دانشگاه شرط سنی ندارد. کلاس‌ها ٦ عصر شروع می‌شود و شما می‌توانید از وام و کمک هزینه دانشجویی نیز استفاده کنید.

اشخاصی که دارای ٦٠ واحد تحصیلی کالج یا دانشگاه هستند در این دانشگاه پذیرفته می‌شوند

مامیتوانیم برای عزیزان شماویزای تحصیلی صادرکنیم

آگاهی بیشتررا لطفاازبهزاد رزاقی بپرسید

(۲۱۳) ۳۸۹- ۶۵۳۰ (۳۲۳) ۵۵۹-۳۹۴۸

جهت استفاده از خدمات کلینیک این دانشگاه با دکتر علی‌نعمت بخش تماس بگیرید

۱۹۷۴ -۷۳۸(۲۱۳) آدرس:۲۷۲۷ خیابان ششم تقاطع لافایت در لس آنجلس

ایمیل بهزاد رزاقی raza@southbaylo.edu

دکتر ژوزف ماقن

متخصص گوش، گلو و بینی و حنجره و آلرژی

بدینوسیله افتتاح مطب دوم خود را در منطقه انسینو ولی به اطلاع بیماران عزیز می رساند.

مطب مجهز با مدرنترین دستگاه های کامپیوتری سنجش شنوایی، تشخیص سرگیجه، عدم تعادل و تجویز سمعک همراه با دستگاه های فایبروسکپی و سینوس اولتراسوند برای تشخیص و درمان سینوزیت، گرفتگی صدا، همچنین درمان آلرژی بینی و حنجره و ریه می باشد.

مطب در انسینو ولی، ساختمان ایرانیان:
ونچورا بلوار ساختمان ١٦٦٦١طبقه هفتم شماره ۷۰۵
مطب در لس آنجلس:
ویلشر بلوار، ساختمان ٦٢٠٠ شماره ١٧١١تلفن ٢٤ ساعته برای هر دو مطب ۳۲۵۵-۹۳۱-۳۲۳

حرف های روز

عروسو وارد کنین با چراغ و شادی/ که امشب شب عروسی است و دامادی/ ای قوم داماد/ خرم و دلشاد/ منتظر مقدم عروس خود باشین/ بر سر آن نازنین نقل و نبات پاشین/.

روی هر میزی چیده هر چیزی/ شکلات و شربت و شیرینی و چایی/ عروس از راه می رسد با خنده و شادی/ که امشب شب عروسی است و دامادی/ عروس و داماد/ دو شاخ شمشاد/ باز مبارک باد/. (بعد دوباره قسمتی از آن تکرار می شد)

در ذیل این ترانه در کتاب به درستی این توضیح آمده است که می نویسد:

"آهنگساز و سرایندهٔ شعر ترانهٔ **"مبارک باد"** ناشناخته است. حتی استادان بزرگی چون **کلنل وزیری، روح الله خان خالقی و بدیع زاده** با تمام تحقیقاتشان در این زمینه به نتیجه ای نرسیدند و قدیمی ترین، بانفوذترین و پراجراترین ترانه این مرز و بوم بدون ذکر و یاد سازندگان آن در پرده ابهام باقی ماند.

این ترانه از چنان شهرتی در بین خانواده های ایرانی در نقاط مختلف کشور برخوردار است که در جشن های عقد و عروسی اکثر قریب به اتفاق طبقات مرفه، نیمه مرفه و فقیر خواهان اجرای این ترانه سنتی و به یاد ماندنی بودند و هستند. همچنین بارها در مجامع اقلیت ها (چه کلیمی، چه مسیحی و چه زردشتی) جدا از نژاد، زبان، فرهنگ و موسیقی خاص خود اجرا شده است و می توان گفت محبوبیت آن بدون اغراق از مرز اصلی خود فراتر رفته است، و محققا ماندگار خواهد بود.

در شب عروسی، طبق رسم دیرین، ترانهٔ مبارک باد هنگام ورود عروس و داماد به محل جشن نواخته و خوانده می شود".

دعوا و مرافعه های شب عروسی!

٤- آن زمان ها (شاید هنوز هم) یک صحنه همیشگی شب عروسی ها، بگو مگو، دعوا و مرافعه و قهر و آشتی های فامیل یا درگیری میان جوانان همسایه بود. صحنه های داخل خانه و بعد تو کوچه ها.

در محله ها هر دختری که به "خانه بخت" می رفت، اغلب چهارده، پانزده ساله بود که به عقد جوانی چندین سال بزرگتر از خودش- گاه مردی ۲۵ ساله و بالاتر- در می آمد (در ترانه عروسی آمده: **عروس ما بچه ساله، سر شب خوابش میاد)**

این دخترها، کم و بیش در محله، یک پسری خاطرخواهشان بود و در خواب و خیال آن دو با هم زن و شوهر بودند که البته این **"خاطرخواهی" ها در** سیزده و چهارده سالگی به جایی نمی رسید و دختره به خانه شوهر می رفت و شب عروسی نیز، شب عزایی برای آن نوجوان بود که اغلب با رفقایش **قال چاق می کردند**. اگر سنشان بیشتر بود، با یک **"چتول عرق"** کار به چاقوکشی هم می کشید و کلانتری.

گاهی به برادر عروس بر می خورد که بچه محل ها بابت این که امشب خواهرش فلان و بهمان می شود! از کوره در می رفت.

در قسمت اول گفتیم که در عروسی چند وقت در تهران ده ها میلیون تومان فقط خرج "حراست" از آن مجلس عروسی شده که به خیر و خوشی و بدون **پاسدار و پاسدار کشی و جلب مدعوین و زندان تمام شود**، در حالی که آن زمان ها پنج تومان (یا کمتر) به یک **"آژان"** می دادند که صندلی می گذاشت و جلوی در خانه می نشست که لات و لوت ها و مزاحم ها داخل نشوند و اغلب با یک من بمیری و تو بمیری نمی گذاشت قال چاق شود.

کادوهای عروسی را کجا می برید؟!

۵- این بنده حکایت ها از این عروسی های دوران نوجوانی و جوانی دارد و حیف که مجموعه داستان **"شب عروسی بابام"** در اینجا نیست که شما را رجوع به آن بدهد که حکایات آن در سال های دور (دهه ۳۰) نوشته شده و تا سال ۵۷ (که حسابش دستم بود) به چندین و چند چاپ رسید و در سال های پس از انقلاب به چاپ های غیر علنی که البته بی حساب و کتاب است.

در مورد فیلم جشن عروسی (که شرحش رفت) با تمام رقص و پایکوبی های آن (اغلب رقص ها و حرکات غلو آمیز و انگار از سر خشم و یا تلافی جویانه بود) و آدمیزاد را به شدت افسرده می کرد، شاید ما در غربت این طور خیال می کردیم.

اما هفته پیش ما به یک مجلس عروسی دعوت شده بودیم که در خانه داماد برگزار می شد.

آدرس دقیق را با نقشه کامل برایمان ارسال داشته بودند (این بنده بابت سردرگمی در خیابان ها و شهرک های لوس آنجلس خیلی مچل می شود) و آن را به "نوه گیتور" آدرس یاب، اتومبیل داماد عزیزمان (سعید خان همسر عسل) داده بودیم که خیالمان از هر جهت راحت بود.

از بزرگ راه به خیابان اصلی و پک و پهنی رسیدیم و یک خیابان فرعی، چشممان به "نوه گیتور" بود که یکهو در چند قدمی خودمان چراغانی عروسی را دیدیم. خوشحال شدیم که این دفعه بی گشت و گم شدن در این خیابان و آن خیابان، درست رسیده بودیم. جلوی در به فارسی خوش آمد گفتند. کادوها را- که ماشاءالله هزار ماشاءالله گنده هم بود و نه لزوما گران قیمت- بغل زدیم. آمدند اتومبیلمان را گرفتند که جای مناسبی پارک کنند.

موزیک ایرانی می نواختند و جماعتی با آهنگ شاد **"بیژن مرتضوی"** می رقصیدند... ما را به اتاقی هدایت کردند که کادو را بگذاریم. بعد به محوطه بزرگ منزل ویلایی رفتیم. در میزهای متعدد میهمانان نشسته بودند ولی **دریغ از یک چهره آشنا.** چند نفری منباب شناسایی (لابد از طریق برنامه های تلویزیونی) سلام و علیکی کردند که آنها هم ناآشنا بودند. دقایقی دور میزها گشتیم. بعد پرس و جو شدیم که عروس و داماد کجا هستند؟ آنها را نشان دادند اصلا آن عروس و دامادی که دعوتمان کردند، نبودند و خبردار شدیم که ای دل غافل **عوضی آمده ایم!**

میخواستیم یواشکی جیم شویم ولی رفتن به آن اتاق کذایی و برداشتن کادوها کار حضرت فیل بود! ما از این که چرا مرتکب **این اشتباه** شده ایم کلی کلافه بودیم. بخصوص برای رفتن به اتاق کادوها باید از میان عده ای می گذشتیم که در محوطه جلوی آن اتاق می قصیدند...

خلاصه دل به دریا زدیم و من و عسل به آن اتاق رفتیم و کادوهای خودمان را برداشتیم . هنگام خروج خانم سالمندی که ما را هنگام ورود هم دیده بود، با تعجب گفت: **اوا، چرا کادوها را می برید...!؟**

فقط گفتیم: اشتباهی آمده ایم ! و زدیم بیرون. در محوطه جلوی منزل منتظر اتومبیلمان ایستادیم که بعضی از مهمانان ما را جور خاصی ورانداز می کردند. بالاخره از **عجایب بعید و یا تصادفات ملیح** که در شب در یک خیابان فرعی دو خانواده ایرانی عروسی داشتند، یکی جلوتر (که ما عوضی گرفته بودیم و دیگری در ته خیابان و یک فرعی بن بست).

وقتی در حال حرکت بودیم، دیدیم (آدرس یاب) در اتومبیل، آدرس را درست حفظ کرده ولی ما بی توجهی کرده بودیم...

وقتی به عروسی دوستمان رسیدیم... ساعتی نگذشته بود که دیدیم میهمانان دیگری برافروخته تر از ما می رسیدند که آنها هم در اوایل خیابان، عوضی به آن جشن عروسی رفته بودند...

آن شب من همانطور که به عروس و داماد خیره شده بودم یکباره ۶۰ سال کمتر و یا بیشتر به دوران نوجوانی و جوانی خود رفتم. خیابان ری، بنگاه های موزیکال خیابان سیروس، زیرزمینی که شب عروسی مطرب ها در آنجا جمع می شدند و چتول چتول عرق می زدند و با رقاصه ها می لاسیدند و "مبارک"- سیاه تختی حوضی- مزه می پراند و یکی همپای کمانچه و ضرب می خواند.

امشب چه شبی است، شب مراد است، امشب/ گل در بغل بنفشه خواب است، امشب/.

امشب آن شبی است که این شکر آب شود/ گل در بغل بنفشه سیراب شود/. آفتابه دست طلا، زنجیر نقره گردنش/ مرحبا به این دوماد با این عروس آوردنش/.

گل به چین، کاسنی به چین، بلکه حرارت باشه/ فلانی دوماد شده بگین مبارک باشه /.

ای یار مبارک بادا، ایشاالله مبارک بادا!...

NEED INTERNET CUSTOMERS!?
We Have 500,000,000 Visitors/ Day
www.YahooMsnGoogle.com
What About Your Website ???
877. 737.7427 Or 818. 687.0687

هلیکوپتر سازی آقای

مغازه اش داد تا با خط درشت بنویسند: مغازه آقای مغنی.

مدتی گذشت و وضع او روز به روز بهتر می شد تا انقلاب شد. انقلاب که شد، اهالی محل و دوست و آشنا به مغازه هایش حمله بردند و گفتند که مقنی معروف، این ثروت بادآورده را از راه نامشروع به دست آورده و اموالش را غارت کردند.

آقای مقنی بعد از مدتی سختی کشیدن دست زن و بچه اش را گرفت و به ساری رفت. در آن جا باز به کار مقنی گری مشغول شد و شب ها هم یک بطر مشروب تقلبی می خرید تا با رفتن به عالم هپروت گذشته را فراموش کند. چون کار و کسب اش در حال خراب شدن بود، به فکر افتاد تا خودش در خانه عرق گیری کند، بنابراین از این و آن سئوال کرد تا ببیند چه چیزهایی را باید تهیه کند و چگونه عرق بگیرد.

از آن روز به بعد شب ها با یک سری وسایل که برای زن و بچه هایش تازگی داشت، به خانه می رفت و مستقیما داخل زیرزمین خانه می شد.

یک روز زنش از او پرسید: این لوله های شیشه ای و فلزی به چه دردی می خورد که می خری و به خانه می آوری؟

آقای مقنی گفت: می خواهم هلیکوپتر بسازم تا با آن شب ها پرواز کنم. زن ساده هم زود باور کرد و حتی کلی هم ذوق کرد. چون او رادیو و تلویزیون می شنید که امت اسلامی آنچنان به دانشی دست یافته اند که موشک و هواپیما و هلیکوپتر هم می سازند. علاوه بر این چون سرکوفت همسایه ها را هم می شنید که می گفتند شوهرت مقنی است، کلی خوشحال شد و به سراغ آنها رفت و گفت که شوهرم دارد هلیکوپتر می سازد.

خبر کم کم در شهر پیچید و پلیس و پاسداران به زیرزمین خانه آقای مقنی ریختند تا جاسوس دشمن را دستگیر کنند. حاج آقا گفته بود این مغنی جاسوس حتما مشغول غنی سازی اورانیوم است و حتما سانتریفوژ هم دارد که می خواهد پرواز کند.

اما وقتی مقنی را دستگیر کردند دیدند که او با چیز دیگری پرواز می کند و علاوه بر شلاق به زندان هم افتاد.

آقای مغنی حالا در زندان می گوید: به خدا اسم اصلی من مقنی است نه مغنی...

دفترایام

خطه آذربایجان، یاغی نفس گیری به نام «قدر خان» وجود داشت که راه می بست و جان می ستاند تا بدانجا که آوازه جلادت و صلابت او در همه جا پیچیده بود و جان بر لب حاکم وقت آذربایجان «امیرنظام گروسی» رساند.

امّا با این همه، روزی که امیرنظام به دلیل پایان ماموریت خود از آذربایجان می رفت، کس فرستاد و «قدر خان» را امان داد تا با او در منزلگاه های میان راه ملاقاتی داشته باشند. در آن ملاقات امیرنظام با چند نشانه به «قدر خان» فهماند آن همه هیبت و بادو بروت را او برایش ساخته و تصور شجاعت و درایت داشتنش جز خیال خامی بیش نیست.

امیرانتظام با تدبیر وقتی آن راز برملا کرد به یاغی خوش خیال توصیه کرد که پس از آن از یاغی گری دست بردارد و خود را به کشتن ندهد و این باور از سر بیرون کند که دست نیافتنی خواهد ماند و یقینا بداند که حاکم بعدی او را خواهد کشت. آن روز قدر خان با دانستن واقعیت، چون برج عاج فرو ریخت و سر تعظیم فرود آورد و از امیرانتظام خداحافظی کرد، امّا قبل از رفتن گفت:

- شاهزاده سوالی دارم.

امیر انتظام جواب داد:

- می دانم! می خواهی بپرسی که چرا این محبت را به تو می کنم و در حالی که تو در دوران حکومت من یاغی بودی و زحمت ها برایم آفریدی. برایت بگویم اگر تو نبودی و ماجرای تو نبود، اداره این منطقه حساس در کنار روس و عثمانی برایم دشوار بود و من می بایست «قدر خانی» می ساختم که هر گاه مشکلی داشتم با استعانت از آوازه خشونت و صلابت تو آنرا حل می کردم.

خانم مستوفی در «ای میل» سپس اضافه می کند:

- کمی فکر کنید. آیا «حکومت اسلامی» که دولت فخیمه انگلستان ساخته است،همان قدر خان باهیبت و باد و بروتی نیست که برای منطقه ساخته اند و حالا دارند به آنها «چند نشانه» می دهند که دست از یاغی گری بردارند وگرنه حاکم بعدی آنها را خواهد کشت؟!

● نامه سرگشاده به خانم رایس

«الف.بیقرار» یک «ای میل» مفصل و بلند بالا فرستاده است که در واقع نامه سرگشاده ای به خانم «کاندولیزا رایس» وزیر امور خارجه آمریکاست. او می نویسد:

«مسلما حضرتعالی به عنوان شخصیتی طراز اوّل در وجهه سیاست جهانی و از معدود شخصیت های ذی نفوذ در تصمیم گیری های بنیادین در جهت ایجاد نظم نوین جهانی و از همه مهمتر سیاستمداری موجه و قابل احترام و دوست داشتنی در نزد افکار عمومی ملت ایران و شاید بسیار منفور در نزد ملایان حاکم بر ایران که چندان هم دور از ذهن نمی نماید، بر این واقعیت وقوف دارید که بازی اصلاحات و نمایش کمدی- تراژیک اصلاح طلبی که با تولیت دولت فخیمه بریتانیا و دولت های محصور در حصار اتحادیه اروپا و حمایت همه جانبه و بی دریغ دولت «کلینتون» به صحنه آمد، هیچ نتیجه و فرایند مثبتی به جز هشت سال ادامه حیات ننگین رژیم اسلامی و تداوم کشتار و سرکوب و شکنجه و زندان و گسترش دامنه فسادهای اخلاقی و اجتماعی و همچنین توسعه رانت خواری و پشتیبانی های وسیع رژیم از سازمان های تروریستی و به موازات آن حرکت های مخفیانه ملایان در مسیر ادامه فعالیت های هسته ای را برای ملت ایران و جامعه جهانی در پی نداشت. البته بسیاری از همراهان و مبلغین خاتمی بر این باورند که ظهور دولت او موجبات آرامش در منطقه و تا حدودی زمینه لازم برای فروکش کردن چالش های موجود فی مابین حکومت اسلامی و دولت های غربی، خصوصا بین دولتین اسلامی و آمریکا را فراهم آورد که حالا مشخص شده است هر آنچه را که خاتمی به ارمغان آورده بود، یک بازی سیاسی و یک فریبکاری بزرگ بیش نبوده است. دلیل روشن آنهم همین است که به عنوان پدیده شوم احمدی نژاد پیش روی ملت ایران و جهان قرار گرفته است. آنچه مسلم می نماید و تجربه بیست و هفت ساله نیز می تواند به عنوان موید آن ملاک قضاوت قرار بگیرد. امّا بیانگر و مبین این واقعیت است که فلسفه وجودی رژیم جمهوری اسلامی نشأت گرفته از متون فرهنگی هزار و چهارصد ساله و تفکرات منجمد و پوسیده موجودی چون روح الله خمینی است که تحقق پیروزی جز در پرتو خون و شمشیر را متصور نمی ساخت. دقیقا به همین دلیل هم هست که مشاهده می شود، مقلدین، پیروان و میراث خواران خمینی هم با تبعیت محض از مبانی نظری مرشد خود، ظفرمندی در پناه خون و شمشیر را منشاء حرکت خود دانسته و نیل به اهداف خود را در پایبندی مطلق به مبانی آن فرهنگ و پیروی بی چون و چرا از اندیشه های خمینی می دانند.

آقای «الف.بیقرار» سپس نتیجه گیری می کند که:

- خانم رایس، نظر کلی ملت ایران بر این واقعیت قرار دارد که یک حکومت تئوکرات و فاقد ظرفیت لازم در جهت پذیرش سندهای انسانی و حکومتی که به کرات عدم پایبندی و بی اعتمادی و بی اعتنایی خود نسبت به منشورها، کنوانسین و میثاق های جهانی در هر زمینه را به ثبوت رسانده و حالا هم بر آن شده تا برای ماندگاری، با قلدر مابی احمقانه و توسل به شیوه های منسوخ شده پیامبر گونه، اقدامات خلاف مصلاح امنیت جهانی خود را دنبال نماید، چگونه متصور است با چنین حکومتی وارد مذاکره شود و به او فرصت دهد تا کماکان به بازی های خطرناک در جهان و سرکوب های سبعانه اش در داخل ایران ادامه دهد .

و بالاخره «ای میل» بسیار مفصل خود را که من فقط بخشی از آنرا نقل کردم اینطور به پایان می برد که:

- ملت ایران آماده است تا برای تحقق آرزوهای دیرینه و آرمان های ملی و مقدس خود، هر هزینه ای ولو جان خود را پرداخت نماید.

Yelena Orel D.C.,I.M.E
Chiropractor
فیزیکال تراپی - ماساژ
تصادف اتومبیل
16661 Ventura Blvd. Suite 206
Encino, CA 91436
Tel: 818 - 783 - 0501
Fax: 818 - 783 - 0502
انواع بیمه معمولی و مدیکر قبول می شود

425
فاخته صدیق - هیپنوتراپیست
درمان اضطراب
حمله های عصبی-بیخوابی-ترس-دردهای جسمانی
درمان چاقی
بالا بردن مقاومت بدن-مشکلات حاملگی و زایمان کم بود عزت نفس و حرمت نفس
ترک سیگار در دو جلسه
با هیپنوتیزم بدون دارو در ضمیر ناخودآگاه شما
(۸۱۸)۹۲۱-۲۹۹۳ , (۸۱۸)۳۴۰-۷۵۹۶
موکندن-صورت کندن-ناخن خوردن-شب ادرای بچه ها

COMPREHENSIVE THERAPEUTICS
آیاازدرد ستون فقرات و آرتروز رنج می برید
آیادردمفاصل و عضلات شمارااز انجام فعالیت های روزانه بازمی دارد
در C.T. باارائه اطاق های خصوصی برای ماساژ،Gym مجهزبه مدرن ترین وسایل ورزشی وPilates ، آب درمانی دراستخرآب گرم ،استفاده ازسونای خشک و مرطوب وجکوزی با فیزیوتراپیست همزبان ،پارکینگ رایگان شمارادربهبودی و بهزیستی یاری می کنیم
مشاوره اولیه رایگان می باشد پذیرش بیمه های درمانی و مدیکر
(۸۱۸)۹۹۹-۳۵۸۲

THE DA VINCI CODE
بزودی شاهد نمایش فیلمی بر اساس یکی از پرفروشترین کتب اخیر دنیا خواهیم بود!
کتاب **رمز داوینچی** به بیشتر از ۴۰ زبان در دنیا ترجمه شده و بیشتر از ۴۰ میلیون کپی از آن بفروش رسیده است!
• حقیقت رمز داوینچی چیست؟
• آیا سرّی در رابطه مسیح با مریم مجدلیه وجود دارد؟
• آیا نویسنده از مدارک تاریخی معتبری استفاده کرده است؟
با مطالعه این جزوه، حقیقت رمز داوینچی را دریابید.
مبلغ: ٤ دلار
خرید جزوه: کلیسای نوسازان ۷۸۵-۵۲۵۹ (۸۱۸)
download رایگان: www.nousazan.org

گوناگون ازاینجا...ازآنجا ...ازهمه جا

دوباره سازی فیلم فرانسوی

فیلم کمدی پرفروش فرانسوی

"چلوئه در تابستان" در امریکا دوباره سازی می شود.
این فیلم که سال ۱۹۷۲ در این کشور اروپایی تولید شد ، نام اریک رومر فیلم‌ساز مطرح موج نوی سینمای فرانسه را به عنوان کارگردان بر خود دارد.
براساس گزارش نشریه هالیوود ریپورتر ، نسخه جدید را کریس راک کمدین مطرح سیاهپوست سینما کارگردانی می کند.
فیلم با نام "فکر می کنم همسرم را دوست دارم" جلوی دوربین می رود.
فیلم‌نامه فیلم را خود راک نوشته است.
او هم چنین نقش اصلی فیلم را هم بازی می کند. فیلم که محصول شرکت فیلم سازی سرچلایت است ، اواسط ماه آینده در نیویورک جلوی دوربین خواهد رفت.
قصه "فکر می کنم همسرم را دوست دارم" درباره مرد جوانی به نام ریچارد کوپر و همسرش برندا است که یک دختر کوچک دارند. آنها زندگی خوب و راحتی دارند اما با ورود یکی از همکلاسی های قدیمی مرد خانواده به محیط زندگی آنها، شرایط زندگی این زوج تغییر می کند.
۲ نقش اصلی دیگر فیلم را جینا تورس و کری واشنگتن بازی خواهند کرد. کریس راک قبل از این فیلم "رئیس دولت" را در سال ۲۰۰۳ کارگردانی کرده است.

افزایش احتمال حمله قلبی در اثر فشار خون بالا

افرادی که مستعد فشار خون بالا هستند بیشتر در معرض ابتلا به بیماری و حمله قلبی قرار می گیرند.
به گزارش مجله استروک ، سرپرست این مطالعه پروفسور عدنان قریشی از مرکز تحقیقات سکته مغزی در دانشگاه پزشکی

نیوجرسی می گوید اگر بتوان مانع ابتلا به افزایش فشار خون شد عملا از وقوع ۴۷ درصد موارد حملات قلبی جلوگیری می شود.
فشار خون طبیعی ۱۲۰ روی ۸۰ میلی‌متر جیوه است. پری هایپرتنشن حالتی است که در آن فشار خون سیستولیک به رقمی بین ۱۲۰ و ۱۲۹ یا فشار خون دیاستولیک بین ۸۹ و ۸۰ میلی‌متر جیوه می‌رسد.
یک محدوده‌ای وجود دارد که در آن فرد دچار هایپرتنشن یا افزایش فشار خون نیست اما فشار خون طبیعی هم ندارد. برای این محدوده خاکستری ، عنوان پری هایپرتنشن

در نظر گرفته شده است.
هایپرتنشن مرحله‌ای است که فشار خون به ۹۰.۱۴۰ میلی متر جیوه و یا بالاتر از آن می رسد.
براین اساس علاوه بر رعایت شیوه زندگی سالم ، کنترل فشار خون ، فعالیت بدنی مرتب و کنترل وزن شاید برخی افراد مستعد فشار خون بالا باید تحت درمان جدی‌تری قرار گیرند.

بازی ویدئویی به روایت راک

"شکار جاسوس: راهی برای فرار نیست" تبدیل به فیلم سینمایی می‌شود. این بازی ویدئویی ماه سپتامبر روانه بازار ویدئویی می‌شود.
در نسخه ویدئویی ، راک قهرمان اکشن جدید سینما به جای کاراکتر اصلی صحبت می کند.
براساس گزارش خبرگزاری رویتر ، راک در نسخه سینمایی هم نقش اصلی را بازی خواهد کرد. این قهرمان سابق کشتی کج جهان که نام اصلی‌اش دواین جانسن است ، در فیلم سینمایی در نقش آلکس دکر ظاهر می‌شود که یک مامور باسابقه ضدجاسوسی است.
این کاراکتر شباهت خیلی زیادی به جیمز باند دارد. این کاراکتر اکشن در عین حال آدمی شوخ طبع هم هست. از این نظر می‌توان او را با

ایندیانا جونز مقایسه کرد.
کارگردانی نسخه سینمایی را جان وو به عهده دارد. با وجود آن که هنوز زمان شروع فیلم برداری فیلم اعلام نشده ولی کمپانی یونیورسال که تهیه کننده فیلم است ماه ژولای ۲۰۰۷ را به عنوان زمان اکران عمومی فیلم اعلام کرده است.
"شکار جاسوس" یک کار پرهزینه است که قرار است به صورت یک مجموعه فیلم سینمایی تولید شود.
راک قبل از این فیلم پرفروش "شاه عقرب" را داشته و قرار است در قسمت دوم آن هم بازی کند.

پرودی نخست وزیر ایتالیا شد

جیورجیو ناپولیتانو رئیس جمهور ایتالیا سه‌شنبه شب ۱۶ مه رومانو پرودی رئیس ائتلاف چپ که با اختلاف اندکی در انتخابات پارلمانی ماه گذشته ایتالیا پیروز شد را مامور تشکیل کابینه کرد.
به گزارش خبرگزاری فرانسه ، جیورجیو ناپولیتانو در پایان گفتگو با رومانو پرودی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت ، من امشب ساعت ۱۹ (به وقت محلی) پرودی را دعوت به تشکیل کابینه جدید کردم.
او افزود هیچ یک از اعضای ائتلاف راست با نخست وزیری پرودی مخالفت نکرد.
رومانو پرودی به نوبه خود گفت آماده پذیرفتن مقام نخست وزیری است و اسامی اعضای دولت را چهارشنبه ۱۷ مه ارایه خواهد کرد.
پرودی افزود ، من به رئیس جمهور گفتم که ائتلاف ما بسیار مستحکم است . این ائتلاف چند روز اخیر آزمایشهایی چون انتخاب روسای مجالس و انتخاب رئیس جمهور را پشت سر گذاشت و قدرت و انسجام لازم را برای تشکیل دولت دارد.
سیلویو برلوسکنی نخست وزیر پیشین ایتالیا که به نوبه خود با ناپولیتانو ملاقات کرده بود به خبرنگاران گفت یک جناح مخالف قدرتمند را در مقابل دولت پرودی تشکیل خواهد داد.

پرده مولن روژ
زیباترین پرده‌ها با ارزانترین قیمت
دوخت و نصب پرده، روتختی، کوسن
و تعمیر انواع لباس
818-633-4383

آرایشگاه
علی
در ولی
(۸۱۸) ۳۴۴-۲۴۰۰

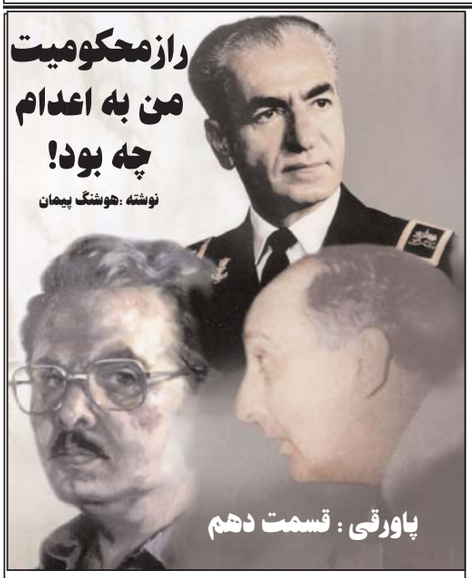

●●

بیچاره مش ممد! "مش ممد" را همه در میدان کاخ می شناختند، او در استخدام دایمی "خرم" مقاطعه کار معروف آسفالت که در همان حوالی سکنی داشت بود. ماشین های متعدد او را می شست. ضمنا خرده فرمایشات اهل محل را نیز انجام می داد. مردی بود میانسال که در عین تنگدستی و بی چیزی، طبعی بلند و غروری والا داشت. کارش را انجام می داد و مجیز احدی را هم نمی گفت. ذاتا "لر" بود. سیه چرده، لاغر اندام ولی جان سخت و پرتوان بود. سواد چندانی نداشت اما از فیض وجود قهوه خانه، "شاهنامه" را از حفظ می دانست و به این فخر می کرد، همه هم احترامش را داشتند.
این "مش ممد" مدل نقاشی من بود، یکی از متعدد مدل هایم که به تناسب چهره و اندامش، چند اثر از وی ساخته بودم و به مقتضای نیاز همچنان هم می ساختم. سر وقت می آمد و به موقع می رفت و بینابین کار و به هنگام استراحت با شور و هیجان برایمان شاهنامه نیز می خواند! عجیب نقاشی را دوست داشت و از این که مدل قرار می گرفت خوشحال و مغرور بود، بر مبنای همین شدت علاقه هم خوب انجام وظیفه می کرد و به علت کثریت مدل شدن، خوب آموخته بود چه باید بکند. در مجموع مدل ارزشمندی به حساب می آمد.
از قضا آن روزها، همان روزهایی که منجر به بازداشتم شد، من سرگرم ساختن تابلوی معروف "قهوه خانه" بودم. در این تابلو "مش ممد" به جای سه شخصیت مدل می شد و بر این اساس او هر روز ساعت ۹ به آتلیه می آمد و کار را آغاز می کردیم. روز دستگیری ام نیز که طبق برنامه آمده و دیده بود در بسته و من نیستم، همان جا توی خیابان به انتظار ایستاده بود، بعد هم وقتی دید من آمدم و به اتفاق دو نفر از ماشین پیاده شدم، بیچاره ی از همه جا بی خبر، آمد جلو سلامی کند و حرفی بزند یا به اصطلاح از علت دیر کردن من، پرس و جویی نماید، که "افسر تجسس" به او مجال نداد و با کوفتن مشتی بر سینه اش و اهانت و فحاشی به وی ما نعش شد و به عقب پرتش نمود! "مش ممد" که هنوز درنیافته بود قضیه چیست و دنیا دست کیست، از

بقیه در صفحه۸

مهاجرت به کانادا
سازمان مهاجرت و سرمایه گذاری پارس

سیامک زارعی

تخصص ما:
مهاجرت ازطریق
بیزنس و سرمایه
گذاری به
کاناداست

نیلوفرباقرزاده

کارشناس رسمی مهاجرت به کانادا CSIC
دفترتورنتو جنب ایران جوان
Tel:416-757-1400 Tel: 416-733-3633
Fax: 416-757-9963
دفترتهران خیابان ولی عصر
Tel:021-8877-8770 Tel:021-8877-1556
Fax: 021-8877-1556
Email:info@parsnational.ca www.ParsNational.ca

دیگرنیازی به خریدکارتهای تلفنی نیست
تهران و بقیه شهرهای ایران
هردقیقه ۱۲.۹ سنت
ازتلفن منزل ،موبایل و یامحل کار
بدون هیچ گونه حق اشتراك و یاهزینه جانبی
آمریکاهردقیقه ۳/۹سنت
USA Only 3.9 Cent a Minute

انگلستان	۴.۵ سنت
آلمان	۴.۵ سنت
فرانسه	۴.۵ سنت
اسرائیل	۳.۹ سنت
کانادا	۴.۵ سنت
استرالیا	۴.۵ سنت
سوئد	۴.۵ سنت
هلند	۴.۵ سنت

امروزصحبت کنیدو ماه آینده پرداخت نمایید
Norstar Telecommunications, LLC.
1-888-755-8674

Fine dining, including late-night buffets.Spa.Sushi bar.Variety of clubs,bars and orchestras.singles party
کامرشال تراول
۱-۸۰۰-۸۰۰-۱۹۹۱
سفر تفریحی و کنفرانسهای آموزشی به Baja Mexico با همکاری دکتر هلاکوئی
سه روز درکشتی Paradise بر روی آبهای اقیانوس آرام
توقف در بندر (Ensenada)
شرکت در ۳ کنفرانس علمی و آموزشی دکتر فرهنگ هلاکوئی
برنامه رقص و موسیقی و پخش فیلم های ایرانی در طول سفر
www.friendlyagent.com
قیمتها از ۴۰۰ دلار
بعلاوه کمرک ، تیپ و تکس
حرکت از Los Angeles (Long Beach) بعدازظهر جمعه ۷ جولای ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر و بازگشت صبح روز دوشنبه ۱۰ جولای
Get ready to sail on the 3 days carnival cruise to Baja Mexico from
Los Angeles (Long Beach) on July 7 through July 10th
18345 Vanowen st., Reseda CA 91335 Fax: 818-708-8120
Carnival. Fun For Ships
Fine dining, including late-night buffets.Spa.Sushi bar.Variety of clubs,bars and orchestras.singles party
bars and lounges.Full casino Live music, Welcome Aboard Party

دست می‌زدند و مرا تشویق می‌کردند. عاطفه به کمکم آمد و مقنعه را روی سرم درست کرد. به حسام نگاه کردم تا قیافه‌اش را ببینم. با خودم گفتم الان میگرمه‌هایش تو همه و تا جای خلوت پیدا کنه بهم می‌گه دست و پا چلفتی، وقتی صورتش را دیدم برخلاف همیشه لبخندی روی چهره‌اش نقش بسته بود و همان طور که مرا نگاه می‌کرد گفت: «الهه اون وسط اونقدر خنده‌دار شده بودی که حد نداشت. مثل گربه چهار چنگولی چسبیده بودی به طناب. وقتی رنگت‌رو دیدم یک لحظه فکر کردم اون وسط سکته می‌کنی.»

حس کردم جلوی عاطفه است که چنین زبون می‌ریزد. نیشخند زدم و گفتم: «اگه سکته می‌کردم تو یکی راحت می‌شدی نه؟»

احساس کردم لحن کلامم کمی تند بود زیرا اخم کوچکی روی پیشانی‌اش نشست و زیر چشم نگاهی به عاطفه انداخت، ولی خود را نباخت و گفت: «زیاد حرف بزنی مجبورت می‌کنم یک‌بار دیگه از روی پل رد بشی.»

عاطفه خندید و به حسام نگاه کرد و گفت: «بخواهی و نخواهی باید یک‌بار دیگه هم از پل رد بشه.»

چشم از آن دو برداشتم و به عرفان که روی پل بود نگاه کردم. چادر عاطفه را مانند شال دور گردنش انداخته بود و با مهارت روی پل راه می‌رفت. بدون اینکه پل حتی تکان بخورد. وقتی به طرف دیگر رسید با حسد گفت: «بچه‌ها خوش گذشت؟»

من حرفی نزدم، ولی عاطفه و حسام با هم گفتند: «خیلی عالی بود.»

حسام با تعجب به اطراف نگاه می‌کرد. خطاب به بقیه گفت: «بچه‌ها، اینجا جای عجیبیه، درست مثل تکه‌ای از بهشت که رو زمین انداده باشه.»

با خودم فکر کردم چقدر قشنگ توانست احساس مرا وصف کند. به راستی جایی که وارد شده بودیم مانند تکه‌ای از بهشت بود. احساس می‌کردم در منظره‌ای خیالی که فقط در نقاشیها دیده بودم قدم برمی‌دارم. کمی در امتداد رود جلو رفتیم سپس وارد محوطه بازی شدیم که درختان میوه به صف و در یک ردیف کاشته شده بودند. درختان کوتاه و پربار سیب و گلابی و هلو با میوه‌های رسیده دهان رهگذران را آب می‌انداخت و آنان را دعوت به خوردن می‌کرد. برخلاف راه ناهمواری که پیش از رسیدن به پل طی کرده بودیم این مسیر راه مسطح و یک‌دست بود. عرفان داخل باغ شد و با چهار عدد هلو برگشت. به عاطفه و حسام یک هلو داد. هلوی درشت و سرخ رنگی را به طرفم گرفت. با تعارف گفتم: «مرسی، میل ندارم.»

با خنده گفت: «نمیشه، حتما باید از میوه بهشت بخوری.»

دستم را دراز کردم و هلو را گرفتم و بدون اینکه نگاهش کنم زیر لب گفتم: «متشکرم.»

همراه عاطفه پشت سر حسام و عرفان پیش می‌رفتیم. در همان حال به این فکر می‌کردم چرا باید همیشه سر دوراهی قرار بگیرم. چرا زمانی که آرزوی رسیدن به خواسته‌ام را داشتم مانع بر سر راهم بود و اکنون که آن مانع برطرف شده احساس گذشته را ندارم. تازه فهمیدم اخلاق خانواده محمدی، به خصوص عرفان با آنچه فکر می‌کردم زمین تا آسمان متفاوت است و از آن همه تعصبی که در وجود حسام است در میان آنان خبری نیست. عرفان طبع شوخی داشت و با جوکهای بامزه‌ای که تعریف می‌کرد حتی قهقهه حسام را هم درآورده بود. از همه جالب‌تر رفتار حسام بود که فکر می‌کردم موجود دیگری با شکل و قیافه او با ما همراه است. مرتب می‌خندید و گاهی هم ناشیانه لطیفه بامزه‌ای را به بی‌مزه‌ترین نحو تعریف می‌کرد که بی‌مزه‌گی‌اش باعث خنده‌مان می‌شد. این رفتار در حسام برایم خیلی جالب و در عین حال عجیب بود.

به راهی باریک میان درختان میوه رسیدیم که سه سمت جنگلی پر درخت منتهی می‌شد. به محض پا گذاشتن به جنگل طبیعت رنگ دیگری گرفت. آرامش باغ تبدیل به صدای چهچهه بلبلان شد که هوش را از سر آدم می‌ربود. فضای آکنده از عطر گلهای وحشی با بوی جنگل آمیخته شده بود و حس غریبی را القا می‌کرد. نفس عمیقی کشیدم و بوی درختان را با تمام وجود داخل ریه‌هایم کشیدم. صدای عرفان توجه مرا به سمت آنان جلب کرد.

«یک جوی آب جلوتر است که بعد از آن به کوه می‌رسیم. پشت اولین تپه کلبه الیاس، چوپان ده است. تابستونا همیشه اینجاست. هر وقت که اینجا میام حتما یک سر به او می‌زنم.»

عاطفه گفت: «چه خوب شد. پس یادت باشه شیر تازه ازش بگیریم.»

«خوب شد گفتی، پنیر و خامه هم می‌گیریم.»

حسام دستانش را باز کرد و به خوشی گفت: «عرفان عجب جایی سراغ داشتی و من نمی‌دونستم دیگه از این به بعد هر وقت منو ندیدید می‌تونید اینجا پیدام کنید.»

همان‌طور که عرفان گفته بود به جوی پر آبی رسیدیم که آب شفاف و گوارایی داشت. نفس کم آورده بودم و احساس خستگی می‌کردم. عرفان و حسام کنار جوی نشستند و به صورتشان آب زدند. به عاطفه گفتم دیگر نمی‌توانم جلوتر بروم. بهتر است ما کنار جوی نشینیم تا حسام و عرفان برودند شیر بگیرند و برگردند. عاطفه موافقت کرد و به عرفان گفت: «ما اینجا می‌نشینیم شما برید و برگردید.»

حسام به من نگاه کرد و گفت: «فکر کنم الهه کم آورده. این‌طور نیست.»

سرم را تکان دادم گفتم: «آره. دیگه نمی‌تونم بیالاتر بیام. اگه عاطفه خانم می‌خواد بیاد من همین‌جا می‌نشینم شما برید و برگردید.»

ادامه دارد

EXPERT AUTO BODY CENTER

بعد از تصادف نگران نباشید !

متخصصین برجسته ما اتومبیل شما را مثل روز اول تحویلتان خواهند داد

مزایای استثنایی مراجعه به اتو بادی سنتر

در صورت داشتن بیمه کامل اتومبیل رایگان در اختیارتان میگذاریم ، اتومبیل شما مجانا از محل تصادف به تعمیرگاه انتقال می‌یابد ، تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز

کارگاههای ما به اطاق رنگ با امکانات ویژه فنی و دستگاههای کامپیوتری برای شاسی کشی مجهز است

EXPERT AUTO BODY CENTRE
Tel: (818) 786 - 8400
Fax: (818) 786 - 5218
14326 Oxnard St. Van Nuys CA91401

مرکز خدمات گالکسی

- امور مهاجرت ، اقامت ، سیتیزن شیپ و پاسپورت سفید
- گذرنامه و شناسنامه ایرانی، وکالتنامه و وصیتنامه
- دعوتنامه ، تصدیق امضاو شهادتنامه
- ترجمه رسمی و تأئید اسناد و مدارک

بمدیریت ایرج تنکابنی

فکس : ۵۹۵۴-۷۸۴ (۸۱۸) تلفن : ۰۰۹۹-۹۰۶ (۸۱۸)
15928 Ventura Blvd, # 201-Encino, CA91436

Q Market
انواع غذاهای ایرانی خانگی، گوشت، مرغ موجوداست

عرضه کننده تازه ترین موادغذائی وخواروبار، گوشت ، مرغ و ماهی باقیمت های باورنکردنی و غیرقابل رقابت

"کیومارکت "درزیریک سقف هرآنچه نیازداریدگردآورده است

انواع غذاهای آماده طبخ موجوداست
فوداستمپ و کردیت کارت پذیرفته میشود

17261 Vanowen St.
(818)345-4251

خستگی روزانه رابا آرامش ماساژ ازتن خودبیرون کنید

ماساژ

توسط دوشیزه جزمین
(۸۱۸) ۹۰۴- ۲۸۲۵

60-64
استخدام
به یک دنتال اسیستان باسابقه برای کار درمطب ندانپزشکی درمنطقه انسینو نیازمندیم
(۸۱۸)۵۳۵-۱۴۷۰

60-64
استخدام
به چندویتر و ویترس با سابقه برای کار درستوران نیازمندیم
۸۱۸-۶۰۹-۹۹۸۸

۳۴۳۰/۶/۱۵/۰۳
اجاره آپارتمان
با برق و گاز رایگان
آپارتمان های زیبا و لوکس در بهترین منطقه هاتورن یک خوابه با اجاق و یخچال ، پارکینگ دردار واستخر و دستگاه های رختشویی مدرن ۹۹ دلار دپازیت ویکماه اجاره مجانی
قیمت ماهیانه ۱۰۷۵ دلار
برای صدق این گفتار ما ، از این آپارتمان ها دیدن کنید
(۳۱۰) - ٦٤٤ - ٦٣١٠

سفارشات شما را برای تهیه انواع شیرینیجات جهت جشنها، عروسی‌ها و ... میپذیرد.

شعبات شیرینی‌سرا در لس آنجلس

رسیدا	انسینو	سانتامونیکا بلوار
(818)996-5104 6900 Reseda Blvd	(818) 757-1248 18000 Ventura Blvd	(310)207-7120 12231 Santa Monica Blvd

59-68
استخدام
Cashier
به یک کارمند کشیر جهت کار در سوپرمارکت گلدن فارمز درگلندل فوری نیازمندیم
(۸۱۸)۸۲۲-۷۴۹۷

43-47
Computer Expert
Golden Farmes Market
درشهرگلندل به یک نفر
High Level Programing
احتیاج داردکه سابقه
Pos Softwere Inventori
داشته باشد
ازکسانی که واجدشرایط هستند لطفابا شماره زیرتماس بگیرند
(۸۱۸)۸۲۲-۷۴۹۷

61-65
استخدام
به خانمی آشنابه زبان انگلیسی که دارای اتومبیل و گواهی نامه و بیمه معتبرباشد،جهت پرستاری ازیک زن و شوهرمسن بطورشبانه روزی دروست لس آنجلس نیازمندیم
(۷۱٤)٤٥٤-٩٢٩٢

خدمات ساختمانی رضا
انجام کلیه امور ساختمانی جزئی و کلی
لوله کشی، برقکاری، نقاشی، نجاری، کاشی کاری، سیمان کاری، نصب کابینت، تعمیر پشت بام
۸۱۸-۵۱۸-۷۲۴۴

رستوران حاتم میشن ویهو
(949)768 0122
24000 Alicia Parkway, #28
Mission Veijio, CA 92691

آرتژیا مارکت
مرکز پخش گوشت حلال ، مواد غذایی
2322 ARTESIA BLVD
Redando Beach, CA 90278
(310) 376-0043

سوپر شایان
به واقع بازار تهران را برای‌شما تداعی‌میکند
۳۱۰-۳۷۵- ۵۵۹۷

هاتورن مارکت
اولین و بزرگترین فروشگاه ایرانی در جنوب لس آنجلس
(310)373 4448
24202 Hawthome Blvd,
Torrance, CA 90505

رستوران حاتم شماره یک
(714)991 6262
1112 N. Brookhuerst St.
Anaheim, CA 92801

سوپر اروابن
949-552 - 8844
Heritage Square/ Behind Denny Rest
14120 Culver Dr. Suite
B.C.D Irvine CA 92714

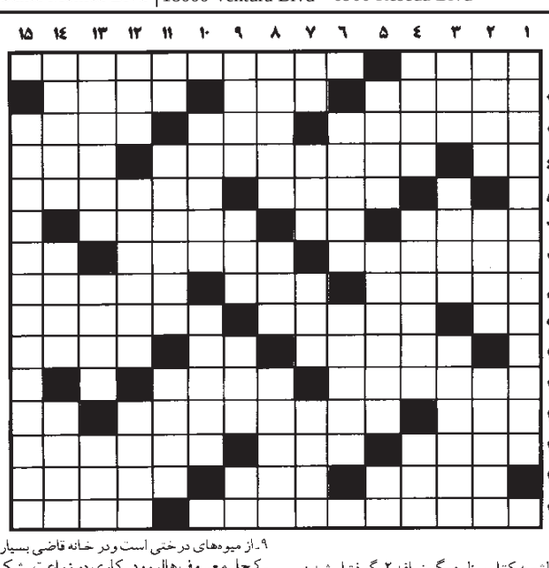

● افقی:

۱ـ حاشیه کتاب ـ نام دیگر زرافه ۲ـ گرفتار شدن ـ چراغ دریایی ـ یار مهربان است و آدمکش هم! ۳ـ بیگانه ـ بانگ و صدا ـ مورد احترام ۴ـ رودی اروپایی ـ این‌هم از القاب اروپایی است ویژه بانوان اشراف ـ تزویر و نیرنگ ۵ـ کم عقل و احمق ـ عوارض آن را شهرداری همه ساله مطالبه می‌کند ۶ـ گلیم ـ دریای عرب ـ از سوره‌های قرآن مجید ۷ـ گیاهی از نوع زردچوبه ـ عروس خانم تا نگیرد چهره نگشاید ـ ماه کارگری ۸ـ دلبستگی و دوستی بی‌ریا ـ شتر ـ قصد و آهنگ ۹ـ منفار کوتاه ـ هنر هفتم ـ آلبالو ۱۰ـ شهری توریستی در ایتالیا ـ مروارید درشت ـ با خشم گفتگو کردن ۱۱ـ از محلات قدیمی و اعیان‌نشین تهران بود ـ زشت و ناپسند ۱۲ـ حسد ورزیدن ـ واژه‌ای به معنای ملی و قومی ـ بوییدن ۱۳ـ مثل و مانند ـ خط آهنی ـ معاضدت و یاوری ۱۴ـ بسیار مهربان و دوستدار ـ پایه و اساس ـ پرنده‌ای شکاری ساکن در تراژو! ۱۵ـ نوعی صدف با خارهای ریز با نام توتیا ـ به اندازه لازم

● عمودی:

۱ـ دانشمند و ریاضیدان فرانسوی کاشف «توابع فوکس» ۲ـ ممکن و میسر ـ از جزایر خلیج فارس ـ احاطه شده ۳ـ از حبوبات ـ وای به وقتی که دوتا شود! ـ لقب امپراتوران ژاپن ۴ـ زهر و حنظل ـ هر منطقه‌ای خنک و زمستانی ـ از پیامبران قدیم ۵ـ فرق سر ـ گازی بی‌رنگ با بویی زننده ـ جانور درنده ۶ـ سبدی برای جا دادن پنبه زده شده ـ غذای نیمروز ۷ـ گرمی و حرارت ـ پشیمانی ـ جای بی‌ترس و آرامش ـ جزیره‌ای در جنوب ۸ـ از خود دور ساختن ـ خوردنش را شرع حرام کرده است ـ نوعی ماهی ۹ـ از میوه‌های درختی است و در خانه قاضی بسیار است! ـ کچل معروف هالیوود ـ کاری در زراعت ـ شکوه گوی جدابیها ۱۰ـ گیاهی است که از آن نوعی چوبك تهیه می‌کنند ـ شبیه و نظیر ۱۱ـ سوسن زرد ـ نوعی خزنده ـ در آغاز جدول پیدایش کنید! ۱۲ـ پسوندی به مفهوم گونه و رنگ ـ ستارگانی که دور خورشید می‌گردند ـ بی‌ادب و بی‌شرم ۱۳ـ شهری است از ایران قدیم که قرارداد ترکمانچای آن را از ایران جدا کرد اما بسیاری از مردم آن شهر در ایران فعلی ساکنند ـ همان هوو است ـ اکسید کلسیوم ۱۴ـ شهری در استان فارس ـ طولانی و کشیده شده ـ بزرگوار و بلندقدر ۱۵ـ کتابی از آندره ژید نویسنده فرانسوی برنده نوبل ادبی

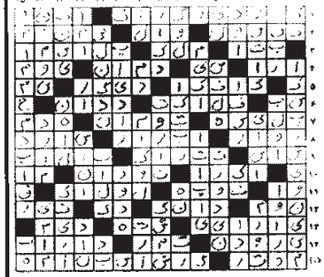

قلم طلایی برای بهترین روزنامه نگار جهان

به گزارش سایت آفتاب ،قلم طلایی جهان، به اکبر گنجی نویسنده و روزنامه نگارمعروف ایران تعلق گرفت و او بهترین روزنامه نگار جهان شناخته شد.

● به همین منظور، قرار است این قلم طلایی در مسکو به وی اهدا شود. در این جلسه، حدود ۱۵۰۰ نفر از بهترین روزنامه نگاران دنیا که در جهت ایجاد دموکراسی در کشورهای خود قلم زده و فعالیت کرده اند، شرکت می کنند.

این مراسم خردادماه برگزار می شود اما اکبرگنجی امکان خروج از کشور را به دلیل ممنوع الخروج بودن ، ندارد.

آمریکا بر حفظ گزینه نظامی به جمهوری اسلامی، تاکید کرد
ضمانت امنیتی واشنگتن به رژیم تهران، در زمره پیشنهادهای آمریکا در ازای توقف برنامه های هسته ای ایران است

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا بار دیگر تاکید کرد واشنگتن همه گزینه ها از جمله حمله نظامی به جمهوری اسلامی را حفظ خواهد کرد.

● شان مککورمک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا به صراحت به خبرنگاران گفت ضمانت امنیتی واشنگتن در زمره پیشنهادهایی نیست که قرار است در ازای توقف برنامه های هسته ای به حکومت ایران داده شود. وی گفت نمایندگان پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان روز سه شنبه آینده با یکدیگر دیدار می کنند تا موضعی یکپارچه در قبال جمهوری اسلامی بگیرند.

●وی گفت نمایندگان قدرتهای بزرگ اکنون گرم بررسی این موضوع اند که در صورت پاسخ منفی جمهوری اسلامی به پیشنهادهای اروپا، جامعه بین المللی چه واکنشی باید داشته باشد. خبرهای رسما تایید نشده حاکی از دادن امتیاز یک نیروگاه آب سبک به ایران توسط نمایندگان مذاکره کننده اروپا است.

●این پیشنهاد و پیشنهادهای تشویقی دیگری از سوی رئیس جمهوری اسلامی مردود شمرده شده بود. هنوز روشن نیست چین و روسیه با قطعنامه پیشنهادی اروپا موافقت خواهند کرد یا نه.

کشته شده ها و زخمی های درگیری دهدشت

مسوول روابط عمومی نیروی انتظامی شهرستان کهگیلویه، تعداد دستگیرشدگان نزاعهای دسته جمعی دهدشت را ۸۶نفر ذکر کرد.

●خداداد همتی مقدم روز پنج شنبه گفت: تمام این افراد به نوعی در ایجاد و تشدید این دعوای طایفه‌ای که طی هفته جاری در دهدشت سبب کشته شدن سه تن و زخمی شدن تعدادی دیگر شده است نقش داشته‌اند.

به گفته وی، همه این افراد با تشکیل پرونده به مقامات قضایی تحویل داده شدند و تا زمان اثبات بی گناهی در بازداشت خواهند بود.

●وی افزود: نیروی انتظامی برای کاهش حساسیت و تحریک نشدن طرفین درگیری با حضور فیزیکی مخفی، قضیه را تحت نظر دارد.

●همتی مقدم ادامه داد:هم اکنون امنیت کامل در این منطقه برقرار است و مراسم تدفین مقتولین در محیطی آرام و امن انجام شد.

●وی نقش ریش سفیدان و معتمدین محلی را در آرامش و امنیت منطقه ستود و اظهار داشت: برای برقراری امنیت کامل، مسوولین رده بالای نیروی انتظامی و امنیتی این استان در این منطقه حضور دارند.

درگیری بین دو طایفه فارسی و طاس احمدی در دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه روز یکشنبه، اوضاع این شهر را ملتهب کرد.

●سابقه این درگیری به روز پنجشنبه هفته گذشته برمی گردد که درنتیجه کشته شدن فردی ازطایفه فارسی درمنطقه "موروک سادات امام زاده علی" در ۵۰کیلومتری شرق دهدشت شروع شد.

●منابع بیمارستانی در دهدشت اعلام کردند:در اثر درگیری یاد شده، یک نفر کشته شد و شش نفر از هر دو طایفه مجروح شدند که به بیمارستان امام خمینی شهر دهدشت منتقل شدند و تحت مداوا و عمل جراحی قرار گرفتند.

●شهر دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه در ۲۰۰کیلومتری جنوب غربی یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد.

تلاش روشنفکران، نویسندگان، استادان دانشگاه های اروپا و آمریکا برای آزادی اندیشمند و فیلسوف معروف ایرانی

عده ای از فیلسوفان و روشنفکران اروپایی و آمریکایی با صدور اطلاعیه ای خواستار آزادی رامین جهانبگلو اندیشمندو فیلسوف ایرانی شدند.

●این اطلاعیه به امضای تعداد زیادی از روشنفکران همچون ریچارد رورتی، ادگار مورن، آنتونیو نگری، جورج استاینر، آدام میشنک، دانیل کوهن بندیت، کاستور یاریس، کلود لفورت، تیموتی کارتون اش و ایتن بالیبار رسیده است.

●دکتر رامین جهانبگلو از ۲۰ روز پیش به اتهام ارتباط با بیگانه در زندان اوین بازداشت شده است.

● بازداشت وی دانشگاهیان و فعالان حقوق بشر را به تشکیل کمیته‌ای واداشته است .

●هنوز اتهامات دقیق او مشخص نشده و دیداری با وکیل و اعضای خانواده خود نداشته است. دکتر محمد توکلی ترقی، رئیس بخش تحقیقات تاریخ دپارتمان مطالعات خاورمیانه دانشگاه تورونتو در مصاحبه با رادیو فردا می گوید آقای دکتر جهانبگلو یکی از چهره های به نام فرهنگ و تاریخ ایران است و آشنایان به مطالعات ایرانشناسی با اسم او آشنائی دارند. وی می افزاید نامه های بسیاری به مسئولین ایرانی در ایران و نیویورک، واشنگتن و اوتاوا فرستاده شده و روشنفکران و نویسندگان اروپائی نیز نامه های شخصی و تومارهای زیادی به مسئولان فرستاده‌اند تا آزادی رامین جهانبگلو را از آنها تقاضا کنند. وی می‌افزاید ●اوگفت خانواده جهانبگلو گهگاه تلفنی با او در زندان صحبت می کنند و از صدای او آثار آزار و خستگی و نگرانی مشاهده می‌شود.

اعلام تحصن اعتراضی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان

انجمن دانشجوئی دانشگاه سیستان و بلوچستان نامه سرگشاده ای به ریاست دانشگاه نوشت .دانشجویان دراین نامه نسبت به جو سرکوب و اختناق شدید، برخوردهای امنیتی و کمیته انضباطی با دانشجویان و تشکلهای دانشجویی، عدم تشکیل شورای صنفی بعد از گذشت بیش از دو سال از انحلال آن توسط شورای نظارت، ندادن مجوز به هیچ یک از برنامه های انجمن اسلامی در طی یکسال اخیر و ... خواستار برخورد قاطع ریاست دانشگاه در اصلاح امور و تغییر بنیادی در منش و رفتار مسئولان شد.

شایان ذکر است که رابطین کمیته انضباطی با بیان اینکه دبیر این کمیته دستور به جمع آوری بیانیه ها را داده است، در یک اقدام غیر قانونی به جمع آوری بیانیه های این تشکل پرداختند. پس از اعتراض انجمن اسلامی دبیر کمیته انضباطی موضوع را انکار کرد.

●الا ایحال انجمن اسلامی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده ی مهندسی و علوم پایه درخواست برگزاری تحصنی را به هیئت نظارت بر تشکل ها داده اند که در صورت عدم موافقت با این درخواست، اعضای شورای مرکزی این دو تشکل در روز شنبه سی ام اردیبهشت راس ساعت ۱۸ (۶ بعد از ظهر) روبه روی درب دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، در اعتراض به وضعیت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و در اعتراض به عملکرد کمیته ی انضباطی، تحصن خواهند نمود.

برخورد با موسسات آموزش موسیقی

تهدید سازمان مسلح بلوچ علیه رژیم تهران
در صورت ادامه سرکوب و کشتار در بلوچستان، دست به اقدام انتحاری در تهران خواهد زد

سازمان مسلح افرادبلوچ موسوم به جندالله طی یک نامه الکترونیکی تهدید به انجام عملیات انتحاری در تهران نمود. در این اطلاعیه آمده است : جندالله ایران از رژیم آخوندی ایران می خواهد که ظرف۲۴ ساعت نیروهای سرکوبگر مزدورش را از استان سیستان و بلوچستان خارج نماید و گر نه سازمان جندالله ایران دست به حملات انتحاری در داخل شهر تهران خواهد زد .

رژیم آخوندی ایران چونکه به هیچ عنوان حاضر به رعایت حقوق بشر در منطقه بلوچستان نیست و با انواع حملات هوایی و زمینی دست به سرکوب و به شهادت رسانیدن مردم بیگناه بلوچ می زند ، شاخه نظامی سازمان به صورت جدی حملات انتحاری بر ضد این رژیم جهل و جور آخوندی را در دستور کار خویش قرار داده است .

سایت حکومتی «بازتاب» فاش کرد که متهم بزرگترین پرونده مفاسد اقتصادی از کشور گریخته است
یکی از نهادهای امنیتی در فرار این متهم نقش اساسی داشت

به گزارش سایت حکومتی بازتاب : متهم ردیف اول بزرگ‌ترین پرونده مفاسد اقتصادی، با حمایت یکی از نهادهای امنیتی، از کشور گریخته است.

●بنا بر این گزارش "س.ص" که یکی از تخلفات وی، پرونده زمین‌خواری سه هزار میلیارد تومانی در کرج است، با حمایت یکی از نهادهای امنیتی از کشور گریخته است.

●با فشار این نهاد امنیتی، دادگاه برای "س.ص" وثیقه بیست میلیارد تومانی صادر کرده و وی نیز با وثیقه گذاردن اسنادی که ارزش آن به مراتب کمتر از وثیقه صادر شده بوده، بازداشت نشده و پس از آن از کشور خارج شده است.

● "س.ص" که گفته می‌شود، از سوی این نهاد امنیتی حمایت‌های فراوانی از او شده بود، مدعی ارتباط با برخی مسئولان و پرداخت‌های کلان به آنان است.

● گفته می‌شود، "س.ص" به کشور کانادا گریخته است و تلاش این نهاد امنیتی برای خروج وی از کشور، با هدف جلوگیری از دستگیری وی توسط دیگر نهادهای نظارتی و افشای ارتباطات "س.ص" با مسئولان صورت گرفته است.

توقف اعدام یکی از فعالا ن سیاسی

فعالان حقوق بشر در ایران پیروزی بزرگ درجبهه حقوق بشر و در راستای توقف نقض حقوق بشر در ایران بدست آوردندکه بر پایه اتحاد و در موضوعیت توقف حکم اعدام ولی الله فیض مهدوی محقق شد .

● تاریخ اجرای حکم اعدام فیض مهدوی ۲۶ اردیبهشت از سوی حاکمیت رسما اعلام شده بود و قطعا این حکم بلحاظ تجربیات تلخ گذشته و سیستم اجرایی در تاریخ مقرر به اجرا در می آمد . اما تن دادن حاکمیت به توقف حکم اعدام قطعا بدلیل حمایتهای متحد ، گسترده و متداوم تمامی جریانات ، فعالان داخلی و خارجی ، نهادهای حقوق بشری داخلی و خارجی، جوامع بین الملل و غیره بوده است

دوبار عذرخواهی مدیر روزنامه ایران از هموطنان آذری

پس از گذشت ۵ روز از اعتراضات برخی دانشجویان در شهرهای آذری نشین، به مطلب منتشر شده در روزنامه ایران واکنش ها همچنان ادامه دارد.

●مدیر مسئول روزنامه ایران با اشاره به دو نوبت چاپ متن عذرخواهی ادامه اعتصابات شهرهای آذری را ردکردو و درخواست آنان برای عذرخواهی وزیر ارشاد و محاکمه روزنامه را غیر معقولانه خواند.

●غلامحسین اسلامی فرد عذرخواهی یک رسانه را منوط به شرایط خاصی دانست و گفت: "تلویزیون بی بی سی روز سه شنبه یک اشتباه فاحش در یک برنامه زنده کرد و پس از گفتگو با مصاحبه گر در سوال سوم خبرنگار متوجه اشتباه خود شد اما از کسی هم عذرخواهی به عمل نکرد."

روزنامه ایران جمعه مطلبی با عنوان "چه کنیم که سوسک ها سوسکمان نکنند" به چاپ رساند که کاریکاتور این صفحه موجب تحریک احساسات مردم شهرهای آذری نشین شد.

دو وکیل دادگستری به جرم دفاع از دراویش به حبس،جزای نقدی و محکومیت از وکالت محکوم شدند

به گزارش بی بی سی ، دو وکیل درویشان گنابادی به حبس تعزیری و محرومیت پنجساله از شغل وکالت محکوم شدند و شماری از درویشان نیز به حبس تعزیری و جزای نقدی محکوم شدند.

●فرشید یداللهی یکی از دو وکیل درویشان در گفتگو با خبرگزاری کار رژیم گفته است که به دنبال ماجرای تخریب حسینیه شریعت در قم بنا به حکم دادگاه ۵۲ نفر از درویشان گنابادی به اتهام اخلال در نظم عمومی و سرکشی از دستور پلیس به شلاق و حبس تعزیری و پرداخت جریمه نقدی محکوم شده اند.

●یداللهی همچنین گفته است که خود او و امید بهروزی وکیل دیگر این پرونده نیز به یک سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی و نیز پنج سال محرومیت از شغل وکالت محکوم شده اند.

●در بهمن ماه گذشته (چهاردهم فوریه) دو ماه پیش در پی نا آرامی بر سر بستن حسینیه درویش نعمت اللهی گنابادی در شهر قم، حسینیه شریعت و دو منزل مسکونی مجاور آن که به دو تن از درویش و خویشاوندان متولی حسینیه تعلق داشته به صورت شبانه به آتش کشیده و تخریب شد.

در آن زمان مقامات گفتند که طی این نا آرامی یکهزار نفر بازداشت و دویست نفر، از جمله جانشین فرمانده انتظامی استان قم مجروح شده اند.

●مصطفی آزمایش نماینده سلسله درویش گنابادی در خارج از ایران در گفتگو با بی بی سی گفته که درویش گنابادی در ایجاد درگیری نقشی نداشته و در عوض به دستور قطب (رهبر) سلسله میان مردم گل و شیرینی توزیع می کرده اند.

●نا آرامی پس از آن رخ داد که مسئولان شهر تلاش کردند حسینیه درویش گنابادی را از کنترل درویش خارج و فعالیت آن را متوقف کنند.

این اقدام با مقاومت درویش روبرو شد که با اجتماع در کوچه منتهی به حسینیه و نیز بام ساختمان حسینیه به اعتراض و تحصن پرداختند.

استاندار قم علت حمله نیروی انتظامی به حسینیه را ساخت "غیرقانونی" آن دانسته و گفته که سازمان اوقاف و امورخیریه متولیان حسینیه را غیرمشروع دانسته و برای خلع ید از آنان به دادگاه شکایت کرده بوده و نیروی انتظامی بر اساس رأی دادگاه اقدام به پلمب و توقیف ساختمان حسینیه کرده است.

اما مصطفی آزمایش نماینده سلسله گنابادی در خارج از ایران به بی بی سی گفت حسینیه را سید احمد شریعت که از مشایخ این سلسله است در زمین موروثی خود ساخته و خود متولی آن شده اما با اتمام ساخت حسینیه، شورای تأمین استان خواستار بسته شدن آن شده و گفته در این محل اجازه اجتماع نمی دهد.

●برخورد پلیس با درویشان انتقاد شماری از روحانیون ارشد ایران را برانگیخت چنانکه آیت الله منتظری از مراجع شیعه تخریب حسینیه درایوش گنابادی در قم را محکوم کرد و از مسئولان خواست اشتباه خود را جبران کنند.

●آیت الله منتظری در بیانیه ای در این باره گفت: "تخریب منزل شخصی افراد و حسینیه و ضرب و شتم بندگان خدا به ویژه خواهران هیچ توجیه شرعی ندارد."

"اسلام دین رحمت است و درآن حقوق همه مردم حتی اقلیت های دینی و اهل ذمه محترم است چه رسد به حقوق مسلمانان و شیعیان."

شهر قم مذهبی ترین شهر ایران به شمار می رود و با توجه به نزاع تاریخی صوفیه و اهل شریعت، فشار بر درایوش در این شهر سابقه طولانی دارد و به سالهای قبل از انقلاب می رسد اما در یک سال گذشته با

●انتشار شماری از کتابهای ضدصوفی در قم که این سلسله را به ضدشیعی بودن متهم می کند جو سنگینتری علیه آنها شکل گرفته است.

●درایوش نعمت اللهی گنابادی پیرو نورعلی تابنده ملقب به مجذوبعلی شاه هستند که خود در تهران ساکن است.

یک کلام

معیار!

حجت الاسلام کروبی گفت: نه شیخ مهدی کروبی معیار اسلام است نه شیخ احمد جنتی.

- و نه خود حضرت امام (و "رهبر معظم" هم که جای خود دارد)!

عملیات !

رئیس مجتمع آموزشی عالی گفت: پلیس زن در برخی عملیات می تواند چادر نپوشد.

- حجاب برتر را بگذارید برای خواهرهای بی ریخت حزب اللهی!

خرابکاری !

مشاور احمدی نژاد گفت: نمی توان خرابکاری های ۸ ساله را یک ساله جبران کرد.

- ۸ سال دوره خاتمی که به جای خود محفوظ، ولی معلوم نیست خرابی های این ۲۸ ساله را ملت ایران چطور باید جبران کند!؟

زلزله !

رئیس خانه کشاورز گفت: با تغییرات در بخش کشاورزی پس از روی کار آمدن دولت آقای احمدی نژاد، خسارت های آن کمتر از زیان حاصل از بلا های طبیعی نیست.

- در هر رشته ای مانند کشاورزی و صنایع مثل زلزله ۹ ریشتری بوده است!

تخریب !

روزنامه اطلاعات نوشت: پارک های جنگلی با مشارکت مردم ایجاد می شود.

- بعد به دستور شهردار مثل پارک جنگلی لویزان برای ادامه بزرگراه تخریب می شود!

مامور امر به معروف و نهی از منکر کشته شد

به گزارش روزنامه کیهان : سه شنبه شب یک بسیجی پس از ارشاد چند جوان مزاحم و شرور در شهرک شهید محلاتی تهران مورد اصابت ناگهانی چاقو از جانب یکی از آنان قرار گرفت و به شهادت رسید.

بنابراین گزارش ، روح الله امیراحمدی از بسیجیان منطقه شهرک شهید محلاتی پس از پایان نماز مغرب و عشا متوجه ۴ جوان شرور و مزاحم در مقابل درب ورودی مسجد قسمت خواهران می شود که پس از امر به معروف، آنها واکنش نشان می دهند و پس از درگیری لفظی با وی، یکی از آنان از پشت با چاقو به وی حمله می کند و وی را به شهادت می رساند.

بنابراین گزارش قاتل با تلاش ماموران کلانتری ۱۶۴ قائم دستگیر و تحویل مقامات قضایی شد و تلاش برای یافتن ۳ همدست دیگر قاتل همچنان ادامه دارد.

به گفته عموی آن شهید پیکر مرحوم نیز در قطعه مخصوص آمرین (!) به معروف و نهی از منکر در بهشت زهرا دفن می شود.

کارخانه فرش شویی تهران ۳۰۱-۰۸۰۱ (۶۲۶) ۱
ارایه یک سرویس خوب از ما، پشتیبانی شما از کار ما را در بر دارد

راز محکومیت من به اعدام چه بود؟

جهتی نیز در مقابل من به اصطلاح سبک و کنف شده بود، یک مرتبه رگ لُری اش جنبید و پیت و لنگ ماشین شوبی اش را که همواره با خود داشت، به گوشه ای انداخت و آمد که یقهٔ "افسر تجسس" را بگیرد، ولی چشمش که توی چشم من افتاد، یکباره فروکش کرد و گفت:

- من به احترام استاد به شما چیزی نمی گویم.

بعد هم خودش را جمع و جور کرد و عقب کشید. شاید بیچاره تصور نمود آن ها از دوستان من هستند!!

با ماموران به سرعت وارد راهروی ساختمان شده، هنوز از پله ها بالا نرفته بودیم که شنیدیم چند نفر دارند با "مش ممد" کلنجار می روند. گویا داشتند او را به کلانتری می بردند یا می خواستند از آن جا دورش کنند و او مقاومت می کرد؟

به هر حال، این درگیری "مش ممد" و ریخت و پاش هایش، واقعه ای بود که بیشتر باعث گردید توجه در و همسایه به توقف جیپ سازمان امنیت در مقابله آتلیه و پیاده شدن من و ماموران از آن، جلب شود و بهتر به علت ایجاد آن تغییرات در محیط و محل پی ببرند.

نکته ی تاثیرانگیز این که ، از فردای دستگیری و نبودن من و بسته شدن آتلیه، مش ممد که در واقع تنها فرد آشنایی بود که جریان مرا از نزدیک دیده، حتی با ماموران برخوردی نموده بود، با هر که روبرو می شد و هر کجا که می نشست منجمله در قوه خانه، شروع می کرد جریان را با آب و تاب و با ذکر مشخصات ماموران و شماره ی اتومبیلشان و هر چیز دیگر، تعریف کردن، در نتیجه چند روزی نگذشته به هنگام شستن اتومبیلش، **یکی از ماشین های "خرم" عقب عقب می آید و او را زیر می گیرد و برای همیشه خاموشش می کند!!**

●●

پشت در آتلیه، افسر تجسس برگ اجازه ی دادستان ارتش جهت بازرسی را نشانم داد و گفت:

- در را باز کنید، این هم حکم دادستان.

بدون این که ورقه را بخوانم، کلید را در آورده به او دادم ولی قبول نکرد و گفت:

- نه، حکم را بخوانید و خودتان باز کنید.

مامور دیگر هم حرف او را تائید کرد. من به جای این که برگ را کنترل کنم، نگاهی به چهره ی آن دو انداخته کلید را در قفل چرخاندم.

و ارد راهروی آتلیه شدیم. رو به رو، سالن کارگاه که شامل دو اتاق تو در تو بود قرار داشت ولی آن ها بدون این که به آن جا داخل شوند و یا راجع به آن پرس و جویی کنند، مثل این که خودشان صاحبخانه باشند و همه جا را به خوبی بشناسند، یک راست وارد راهروی دست چپ شدند و رفتند به سراغ دفتر، خیلی راحت و علنی . من از این حرکت و آشنایی آن ها به محیط، ابدا تعجب نکردم چرا که از مدت ها قبل از حدود دو سه سال پیش از آن خوب و دقیق متوجه شده و دریافته بودم اطرافم چه خبر است و چه می گذرد.

من می دانستم که آن ها شب ها، یا در فرصت های مناسب دیگر، مخفیانه وارد آتلیه ام می شوند و در آن جا کارهایی صورت می دهند! به شیوه های گوناگون این موضوع را بررسی و کنترل نموده بودم. صبح ها یا بعد از تعطیلی ها که می آمدم، جای پایشان را روی زمین و فرش می دیدم، چون "حسین" جوانی که برایم کار می کرد، هر شب کف کارگاه را که موزاییک بود، خوب "ته" می کشید و براق می کرد. روی فرش راهرو، دفتر، اتاق خانم "بهار" منشی ام و هر جای دیگر را نیز با دقت جارو می زد و تمیز می کرد، در پایان هم تکه حصیر زبری را که جهت تمیز کردن کف کفش وارد شوندگان، بیرون در ورودی افتاده بود، از جای خود برداشته در را می بستیم و می رفتیم، در نتیجه اگر کسی داخل می گردید جای پاهایش روی فرش تمیز قرمز رنگ و همچنین بر کف موزاییک براق، خوب و واضح بر جای می ماند.

پس از چندی متوجه شدم آن ها تغییر مسیر داده، از راه بالکن که به سالن کارگاهم راه داشت داخل می شوند. چون محل من با آپارتمان مجاور، یک بالکن سرتاسری مشترک داشت که با یک تیغه ی آجری کوتاه از هم جدا می گردید و می شد به آسانی از آن طرف به این قسمت آمد و داخل گردید.

من این تغییر مسیر، یعنی ورود میهمانان نیمه شب! از راه بالکن را علاوه بر جای پاهایشان، با چسباندن قطعاتی از نوار چسب باریک کاغذی از داخل روی درز در ورودی بالکن به آتلیه، که در صورت باز شدن پاره می شد نیز کنترل نموده و قاطع تر بدان اطمینان پیدا کرده بودم.

ادامه دارد

کلاس های نقاشی استادپیمان ۱۸۲۰ - ۲۰۸ (۳۱۰)

خشم و کین

خود می پروراند (چیزی شبیه افسانه اسکندر). در اینجا سهراب از "کینه" خود می گوید:

کنون من ز ترکان جنگ آوران
فراز آورم لشکری بیکران
برانم به ایران زمین، کینه خواه
همگی گرد کینه برآرم به ماه
برانگیزم از گاه کاوس را
ببرم از ایران پی توس را
نه گودرز مانم نه نیکو سران
نه گردان جنگی و نام آوران

با چنین دشمنی و کینه ای، سهراب سپاه بزرگی فراهم می آورد. افراسیاب نیز سپاه خود را در اختیار او می گذارد. سپس سهراب به ایران و پایگاه های استراتژیک و نظامی ایران حمله می کند. استاد فردوسی برای اینکه جلوی کینه تاریخی ایرانیان به سهراب را بگیرد اضافه می کند که سهراب به مادر می گوید که هدف او از حمله به ایران **نوعی کودتا** می باشد تا قدرت را به پدرش رستم بدهد و او را شاه ایران کند:

به رستم دهم گرز تخت و کلاه

... و بعد به مادرش نیز وعده شهبانو شدن می دهد:

ترا بانوی شهر ایران کنم!

غافل از آنکه رستم سرسپرده شاه است و همیشه در برابر هجوم **بیگانگان فدائی جان برکف نجات میهن است.** در رویارویی و جنگ با سهراب نیز چنین است و رستم برای مقابله و سرکوب «سپاه بیگانگان» که به ایران تاخته اند، ماموریت می گیرد. در واقع سهراب را که **فرمانده سپاه مهاجم به ایران است، می کشد.** اما چنان چه گفتیم استاد توس این افسانه را آنچنان زیبا و دل انگیز، پرورانده است که مسئله هجوم به ایران در برابر ایرانی الاصل بودن سهراب گم شده است. گوئی فردوسی خود خواسته است تا عشق و همخوابگی موقت و فرزند را بی پدر رها کردن و دهها مسئله دیگر را در طول تاریخ به یک برگ و یک سند بفروشد و آن ریشه ی ایرانی داشتن که عنصر میهنی هر جا و از هر مادری که زاده شده باشد، ایرانی است!! و باید با او بسان دیگر شهروندان برخورد شود.

شوهرمحترم

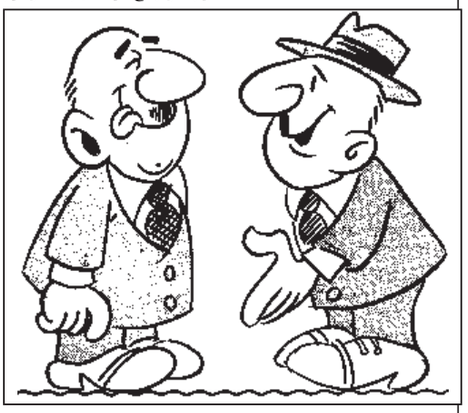

حساب ها را می رسد، پول ها را بر می دارد و صندوق را می بندد و با خانم از مغازه خارج می شود. در آخر ماه هم پول توجیبی خانم را از همین حساب می پردازد.

اما خانم هم به تازگی راه کار را پیدا کرده، قبل از این که **شوهر محترم** به محل کار برسد او نصف موجودی صندوق را که بدون رسید از دست مشتریان گرفته برمی دارد و خوشحال و شنگول منتظر **شوهر محترم** می شود.

بچه ها هم که بزرگ شده و پی کار خود رفته اند، بابا را اصلا تحویل نمی گیرند مخصوصا دختر کوچک که در یک رستوران ایرانی مهماندار است همیشه بابا را به عنوان موجودی که فقط هنرش کشیدن سیفون و فال گرفتن با ورق است، می شناسد.

بابا هم دل خوشی از این دختر ندارد و همیشه به همسرش تأکید می کند که: این یکی که اینقدر بی عرضه و دست و پا چلفتی است، به تو رفته است!

شوهر محترم وقتی دو گیلاسی می زند و سرحال می آید شروع می کند به تعریف خاطرات گذشته. او معتقد است که: علت سقوط شاه، گوش ندادن به اندرزهای حکیمانهٔ ایشان بوده است.

شوهر محترم بخصوص تأکید می کند که:

- بارها و بارها هنگام بازی بریج **اشتباهات اعلیحضرت** را به ایشان گوشزد می کردم ولی گوش اعلیحضرت به عرایض ایشان بدهکار نبوده و همین عدم توجه به عرایض مخلص باعث شد که مملکت سقوط کند!

شوهر محترم تقرب و نزدیکی خود را در نزد اعلیحضرت با نقل این خاطره یادآور می شود:

- یک شب در مهمانی بزرگی که **مرحوم هویدا** هم حضور داشت بعد از شام هنگام صرف دسر، من قاشقم را در ظرف **شیربرنج** فرو بردم و چند قاشقی خوردم. اعلیحضرت که پشت سر من ایستاده بود دستی به شانه ام زند و پرسیدند: چطور است؟

گفتم: قربان، عالی است. از یخ در بهشت مهمانی پروفسور عدل خیلی بهتر است! بعد ایشان تمام ظرف شیربرنج را جلو کشیدند و تا ته نوش جان کردند. لابد متوجه هستید که این همان ظرفی بود که من قاشقم را در آن زده بودم!

شوهر محترم آنگاه سری به افسوس تکان می دهد و می افزاید:

- پدر روزگار بدکردار بسوزد که ما آن بالا بالاها بودیم و حالا باید با هر بقال و چقالی سر میز بنشینیم و به مزخرفاتش گوش بدهیم و بدتر از همه با او بریج بازی کنیم و به این پدر سوخته ببازیم آنهم ما که از اعلیحضرت می بردیم!

شوهر محترم اخیرا دست به کار نوشتن خاطرات خود شده است. آن را برای همه می خواند و مژده انتشار قریب الوقوع این کتاب بی نظیر را به شنونده می دهد.

او کتاب خود را «**شاهد برای تاریخ**» نام داده است. به قیاس فیلم «شاهد برای تعقیب» چارلز لافتون فقید.

شوهر محترم دلخور است که چرا در مورد مسألهٔ ایران، پرزیدنت بوش از رهنمودهای او استفاده نمی کند. او مرتبا در جمع دوستان به اشاره و با پیچ و تاب دادن ابرو، از **مورد مشورت دائمی قرار گرفتن خود**، سخن می گوید. به کاخ سفید، وزارت خارجه و پنتاگون اشاراتی دارد و گاه نیز سیاستمدارانه سر تکان می دهد و می گوید:

- در تلفن بهش گفتم قربان، شما مثل شاه آنقدر این دست و آن دست نکنید. بزنید درب و داغانشان کنید. من این ایرانی های احمق نمک نشناس را خوب می شناسم، **با گاو و خر که نباید مدارا کرد.**

هر وقت او اینطور داد سخن می دهد، یاد مرحوم دکتر علی اکبر بینا معاون دانشکده ادبیات می افتم که وقتی می دید بچه ها توی چمن دانشکده قدم می زنند، با آن هیکل تپل مُپلش می پرید وسط چمن، بچه ها فرار می کردند و او تنها کسی بود که در چمن ایستاده بود، فریاد می زد:

- خر تو چمن میره، گاو تو چمن میره!

«**شوهر محترم**» به خیال خودش همه چیز دارد:

حساب بانکی پر و پیمان، اوراق بهادار بورس، چندین بیلدینگ پانزده شانزده طبقه، خانه بالای تپه مشرف بر اقیانوس. با این همه کسی برایش احترامی قائل نیست.

در مجالس و محافل، دنبال گوش مجانی می گردد که **خاطرات و افتخارات گذشته** را نقل کند. هر وقت در مجلس کسی به چنگ او می افتد دیگران اسیر بدبخت را با چشمک و لب و لوچه پیچاندن دست می اندازند و برایش صبر و شکیبایی آرزو می کنند.

شوهر محترم محصول سال های سرگشتگی و تنهایی است. هیچ کس او را دوست ندارد. با این همه شما می توانید او را در همه جا پیدا کنید و در دل خودتان، به او بخندید.

دکتر سروش رامین
متخصص جراحی مجاری ادرار
فوق تخصص درجراحی
سرطان های پرستات ،مثانه و کلیه

فوق تخصص درجراحی توسط روبات و لاپاراسکوپی
پرفسوردرتدریس متدجراحی با روبات
عضوتیم های جراحی بیمارستان های سیتی او هوپ، سیدرسایناى و سنچری سیتی

باسابقه شش ساله درعمل سرطان پروستات
و پیش گیری ازعوارض ناشی ازآن

جراحی با روبات به بیماران امکان می دهدکه روابط معمول زناشوئی راداشته و اعصاب مسئول این روابط همچنان حفظ شود

برای مشاوره و تعیین وقت قبلی با تلفن های زیرتماس بگیرید
(۸۱۸) ۷۶۰-۲۸۰۰ (۳۱۰) ۲۸۴-۸۱۹۱

ماساژ
بادست های لطیف اماتوانمند
ماساژورهای اورینتال
$10 OFF
ده دلار تخفیف برای خوانندگان عصرامروز
Open 10 am to 10pm
(323) 650 - 2330
8424 Santa Monica Bl.SuiteI(One Block East LaCienega)

دکترپرویزنظر
پزشک خانواده و پزشک انتخابی اداره مهاجرت
انتقال مطب جدیدخودرابه آدرس ۷۰۱۲رسیدابلوارد
تلفن ۲۳۴۵-۳۴۳(۸۱۸) به اطلاع می رساند
ازاول ماه می فقط دراین آدرس باتعیین وقت قبلی
درخدمت بیماران محترم خواهدبود

گروه هنری و فرهنگی کاسپین
با افتخار تقدیم میکند
THE FINEST IN PERSIAN CUISINE ESTABLISHED 1982 IRVINE, CALIFORNIA
A Promise Of Quality
بزم شعر و موسیقی
بهمراه

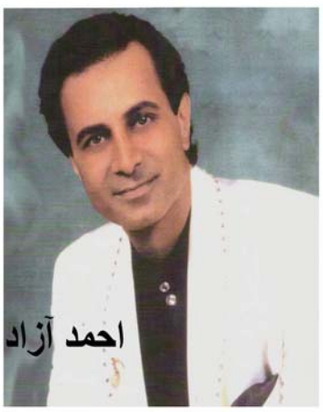

و با حضور هنرمند میهمان
قاسم گلی
چهارشنبه 26 آپریل در تالار خانوادگی کاسپین
تلفن اطلاعات و رزرو میز: 949-651-8454
14100 Culver Dr. Irvine Ca 92604

بازتاب معرفی ملی پوشان ایران در رسانه های جهان

تفکرات هجومی پروفسور کروات

با اعلام اسامی تیم ملی ایران در رقابت های جام جهانی آلمان خبرگزاری های خارجی با اشاره به نام بازیکنان معرفی شده برداشت های متفاوتی از این لیست کرده و نظرات کارشناسی خود را بیان کردند.تیتر های برزیل آسیا، لیست تهاجمی، لژیونرها ستون اصلی تیم ایران، ایران رؤیای صعود به مرحله بعد در سر دارد و ... از مهم ترین عناوینی بود که درباره تیم ایران منتشر شده بود.

خبرگزاری آلمان: لژیونرها ستون اصلی تیم برانکو

خبرگزاری آلمان بازیکن ایرانی شاغل در آلمان را به عنوان نفرات اصلی تیم ایران عنوان می کند.
این خبرگزاری با اشاره به حضور مهدوی کیا، هاشمیان، کریمی و زندی می نویسد: تیم ایران با وجود این نفرات راهی جام جهانی می شود که هم آشنایی به آلمان دارند و هم به عنوان نفرات اصلی مطرح اند. خبرگزاری آلمان با اشاره به خط خوردن مجتبی جباری از سوی برانکو دلیل این امر را مصدومیت شدید وی در سوییس دانسته و می آورد: برانکو مجبور به خط قرمز کشیدن روی نام جباری شد.این خبرگزاری در پایان حضور تیموریان جوان در تیم ملی ایران با مذهب مسیحیت را یکی از نکات جالب توجه عنوان می کند.

خبرگزاری DPA: ایران رؤیای رفتن به دور دوم را در سر دارد

این خبرگزاری کشور آلمان لژیونر های ایرانی را ستون و پایه تیم ملی ایران ارزیابی کرده و می نویسد: ایران با لژیونرهایش راهی جام جهانی می شود.
DPA حضور علی دایی کاپیتان تیم ملی ایران را در لیست بازیکنان اعزامی به عنوان دومین و آخرین حضور این بازیکن ارزنده کشورمان را در جام جهانی می داند و درج می کند: دایی در پست مهاجم آخرین جام جهانی خود را تجربه می کند.
این خبرگزاری با اشاره به نام مجتبی جباری که از سوی ورزشی نویسان ایران به عنوان بازیکن سال ایران برگزیده شده بود می نویسد: نام جباری در لیست برانکو نیست واین بازیکن به دلیل مصدومیت شدید از تیم ملی ایران خارج شد.خبرگزاری آلمانی در گزارش خود اشاره هایی به حضور تیموریان بازیکن ارمنی تیم ملی، اردوی سوییس، بازیهای تدارکاتی تیم ملی و حریفان ایران در گروهD جام جهانی می کند.

سایت کنفدراسیون آسیا: تیم تهاجمی ایران

سایت AFC ترکیب معرفی شده از سوی برانکو را تهاجمی ارزیابی کرده و می نویسد: در لیست سرمربی تیم ملی ایران اسامی مهاجم و چندین هافبک تهاجمی دیده می شود که نشان از سیستم تهاجمی تیم ملی ایران در جام جهانی دارد.این سایت با اشاره به نام مسعود شجاعی بازیکن تیم سایپا تهران به جای نویدکیا منتشر می کند: دلیل این جانشینی تنها مصدومیت نویدکیا است.سایتAFC از ایران به عنوان تیمی موفق در جام جهانی نام می برد و می نویسد: تیم ملی ایران باز هم به مانند جام جهانی فرانسه می تواند در جام جهانی به پیروزی دست یابد.

روزنامه مرکیشر آلگمایینه: ایران- برزیل آسیا

روزنامه آلمانی مرکیشر آلگمایینه با اعلام اسامی تیم ملی ایران از سوی برانکو، ایران را برزیل آسیا قلمداد می کند.این روزنامه چاپ برلین دلیل این تشبیه را شباهت بازیکنان ایرانی و هواداران آنان می داند و می نویسد: شکل این تیم شبیه برزیل است از سویی دیگر هواداران ایرانی به مانند تماشاگران برزیلی بسیار پرهیجان و پرشور هستند.در این اظهار نظر، روزنامه مرکیشر با نقل قول از یک ایرانی مقیم آلمان به نام ناصر رضایی می نویسد: مردم ایران همواره حامی تیم ملی بوده و در ورزشگاه ها حضوری گسترده دارند.
این روزنامه در پایان یادآور می شود که برانکو سرمربی تیمی است که بازیکنان اصلی آن در باشگاه های آلمان توپ می زنند و در ورزشگاه های این کشور سال ها مسابقه داده اند.

مکزیک و ایران ورزشگاه نورنبرگ را افتتاح می کنند

اولین بازی ایران در جام جهانی روز ۱۱ژوئن ۲۰۰۶ در ورزشگاه فرافکن اشتادیون نورنبرگ برابر مکزیک است. این دیدار اولین دیدار جام جهانی امسال است که در این ورزشگاه برگزار می شود. چهار دیدار مرحله اول در این ورزشگاه انجام می شود که شامل بازیهای انگلستان - ترینیداد و توباگو در روز ۱۵ ژوئن، ژاپن- کرواسی در روز ۱۸ ژوئن و امریکا- غنا در روز ۲۲ ژوئن خواهد بود. ورزشگاه مورد نظر با اختصاص ۵۶ میلیون یورو برای جام جهانی بازسازی شده و ظرفیت نزدیک به ۴۲ هزار تماشاگر را در خود دارد! ایران ۳۴ سال قبل در این ورزشگاه به تیم مجارستان ۵ - صفر باخته است.

جدائی رسمی نکونام ازشارجه

جشن خداحافظی شارجه برای نکونام قرارداد جواد نکونام با شارجه به اتمام رسید و حتی برای بازی آخر هم پیراهن شارجه را بر تن نمی‌کند تا سامره با خیال راحت آقای گل شود. باشگاه شارجه کاملاً از بازیکن ایرانی خود راضی است و دیشب نیز با حضور شیخ شارجه جشن خداحافظی نکونام در باشگاه شارجه برگزار شد و نکونام رسماً از این باشگاه جدا شد.
او قراردادش را با این باشگاه اماراتی تمدید نمی‌کند و بعد از جام‌جهانی هوای اروپا را در سر دارد.

باقری پرسپولیس را تهدید کرد!

اگر پولم را ندهید، تمرین نمی کنم! باشگاه پرسپولیس حدود ۱۵۰ میلیون کم آورده است و به خاطر همین نتوانسته چک شش بازیکن خود را پاس کند. یکی از این شش بازیکن، کریم باقری کاپیتان پرسپولیس است که از این مسئله هم سخت دلخور است.
او دیروز پرسپولیسی ها را تهدید کرد و در خطاب به انصاری فرد گفت: اگر تا روز چهارشنبه پول مرا ندهید من هم دیگر با پرسپولیس تمرین نخواهم کرد و در فینال جام‌حذفی هم به میدان نمی‌روم، او این مطلب را هم به اطلاع آری هان رساند.
البته انصاری فرد قول داده که این مشکل را حل کند به غیر از کریم باقری، شیث رضایی، سهراب انتظاری، محمدرضا مامانی، اردلان آشتیانی و احسان خرسندی هم چکشان نقد نشده است.

استخدام داوران دیده بان در جام جهانی آلمان

برگزار کنندگان رقابت های جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان تصمیم دارند. داورانی را در کنار زمین مسابقات بگمارند که وظیفه شان زیر نظر گرفتن تماشاگران و ممانعت از هجوم برخی افراد خاص به داخل زمین است. بنابرگزارش خبرگزاری رویترز، داوران و اعضای فدراسیون فوتبال آلمان در طول مسابقات در مناطقی نزدیک به زمین قرار خواهند گرفت که بتوانند نگاهی هم به جمعیت اطراف خود داشته باشند.
از مجموع ۱۲ ورزشگاه محل برگزاری دیدارهای جام جهانی ۲۰۰۶ ، ۹ ورزشگاه از دیوار انسانی برای مقابله با شورشی ها استفاده می کنند. در طول رقابت های جام کنفدراسیون ها در آلمان در سال گذشته، ۴ نفر با یورش ناگهانی به داخل زمین باعث اختلال در مسابقات شدند. در ماه آوریل امسال یک دادگاه آلمانی ۱۰هزار یورو جریمه برای مهاجمی که به داخل زمین دویده بود در نظر گرفت تا بقیه حساب کار دستشان باشد.
افرادی که در سال های اخیر به داخل زمین می دوند، اغلب با هدف تبلیغ برای فرد یا شرک خاصی این کار را انجام می دهند.

عمادرضا به استقلال می پیوندد

بخش عربی خبرگزاری فرانسه به نقل از عماد محمد رضا مهاجم جوان وملی پوش تیم ملی عراق و باشگاه فولاد خوزستان گزارش می دهد : این بازیکن در آستانه پیوستن به تیم فوتبال باشگاه استقلال تهران برای یک فصل می باشد.
بر اساس گزارش روز سه شنبه این رسانه ، عماد رضا که فصل موفقی با فولاد خوزستان سپری کرد، می گوید : توافق اولیه با دست اندرکاران تیم استقلال به پایان رسیده و طی روزهای آتی قرارداد نهایی انتقالش به این تیم در تهران به امضا خواهد رسید. او به جزئیات مالی این توافق هیچ اشاره ای نکرده اما در عین حال می گوید : هیچ مانعی سر راه این انتقال وجود ندارد. عماد رضا از پیوستنش به استقلال و پوشیدن پیراهن این تیم در فصل آتی که تیم استقلال در رقابتهای آسیایی نیز حضور دارد، بسیار خرسند است .

تاریخچه جام جهانی ازدیروز تاامروز

ایتالیا ۱۹۳۴

۱۹۳۴ ایتالیا

دومین دوره جام جهانی در اروپا

برخلاف دوره گذشته که غالب شرکت کنندگان را تیمهای آمریکای جنوبی تشکیل می دادند، در این دوره شرکت کنندگان اروپایی اکثریت داشتند. بجز ۱۲ تیم اروپایی، برزیل و آرژانتین از آمریکای جنوبی و ایالات متحده از آمریکای شمالی و مرکزی جزو تیمهای حاضر در این رقابتها بودند.

برگزار شد به همین دلیل تیمهای اروپایی میل بیشتری برای شرکت در این بازیها پیدا کردند. این بازیها در دوران حکومت دیکتاتوری موسولینی برگزار شد و دولت فاشیستی ایتالیا از این مسابقات برای اهداف سیاسی خود بهره جست؛ درست همانند کاری که دو سال بعد هیتلر در المپیک مونیخ انجام داد.
پس از جام ۱۹۳۰ که تمام تیمهایی که خواهان شرکت در جام جهانی بودند توانستند مستقیما و بدون بازی مقدماتی در مرحله نهایی شرکت کنند، جام ۱۹۳۴ نخستین جامی بود که تیمها برای حضور در مرحله نهایی بازیها نیاز به گذراندن مرحله مقدماتی داشتند.
تعداد تیمهای شرکت کننده در این دوره به ۱۶ تیم رسید که از میان ۳۲ تیم حاضر در مرحله مقدماتی به بازیها راه یافتند.
با وجودیکه تعداد تیمها و بازیها نسبت به دوره پیشین بیشتر بود، اما تماشاچیان کمتری به دیدن بازیها رفتند. این بازیها در ماه مه آغاز شد و در ژوئن خاتمه یافت.

تیم شانزدهم این بازیها مصر بود؛ نخستین کشوری که از خارج از این دو قاره به جام جهانی راه می یافت. با حذف تیمهای برزیل، آرژانتین، آمریکا و مصر در دور نخست که به صورت تک حذفی برگزار شد، هر هشت تیم راه یافته به به مرحله یک چهارم را تیمهایی اروپایی تشکیل می دادند.
دو تیم ایتالیا و چکسلواکی در فینال مسابقات مقابل هم قرار گرفتند که نتیجه در پایان وقت قانونی یک بر یک شد. در وقت اضافی ایتالیا موفق شد که با زدن یک گل، نخستین فاتح اروپایی جام جهانی باشد.
تیمهای آلمان و اتریش در بازی رده بندی به مقام های سوم و چهارم رسیدند.
آنجلو اسکیاوو (ایتالیا)، اولدریخ نجدلی (چکسلواکی) و ادموند کونن (آلمان) هر کدام با چهار گل زده در صدر جدول گلزنان این دوره قرار گرفتند

پس از ۲ماه فکر کردن

سرپرست سابق مسؤول نقل و انتقالات پرسپولیس شد

وقتی محمدحسن انصاری فرد ۲ ماه پیش از محمود خوردبین خواست که مسؤولیت نقل و انتقالات باشگاه پرسپولیس را بر عهده بگیرد، همه تصور می کردند خوردبین به واسطه رفاقت نزدیک با علی پروین هرگز وارد سیستم جدید باشگاه نخواهد شد اما سرپرست سابق پرسپولیس پس از ۲ ماه فکر کردن، پذیرفت که مسؤولیت نقل و انتقالات تیم فوتبال پرسپولیس را بر عهده بگیرد. این طور که ما شنیده ایم حکم خوردبین صادر شده است و پیشکسوت موسپید قرمزهای پایتخت کارش را پس از بازی فینال جام حذفی به طور رسمی آغاز خواهد کرد.

دکتر طناز کاهن
جراح زنان و زایمان
مطب جدیدخودرابه اطلاع می رساند
کلیه سرویس های پزشکی شامل آزمایش خون ، آزمایش پوکی استخوان و جراحی‌های سرپایی در مطب انجام می‌شود
تلفن : ۸۸۲۲ -۳۴۴ (۸۱۸)
5525 Etiwanda Ave Suit209 Tarzana,Ca 91365

انجام هرنوع کارهای ساختمانی داخل و خارج ، بزرگ و کوچک
درهرنقطه ازلس آنجلس
باقیمت بسیارمناسب و کیفیت کارعالی باگارانتی صددرصد
Pager (۳۱۰) ۹۷۸-۳۱۶۰
Office (۳۱۰)۶۴۴-۹۴۰۸
Cel (۳۱۰) ۶۷۸ - ۵۹۴۱

خدمات ساختمانی
ومدیریت آپارتمان بیلدینگ
WWW.shir–international.com